

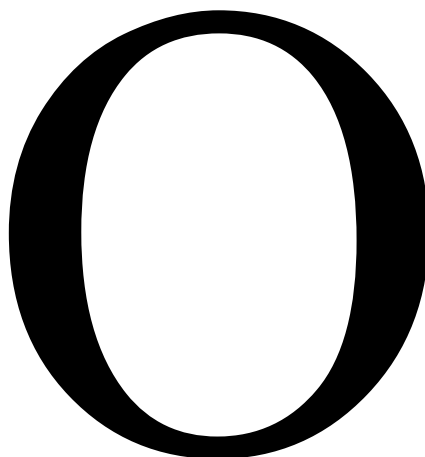
ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبائی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر فیرحی

استاد مشاور: حجت الاسلام آل غفور

احمد رضا یزدانی مقدم



با سپاس فراوان از اساتید بزرگوار:

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر فیرحی

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر آل غفور

استاد داور: حجة الاسلام دکتر میر احمدی

استاد ناظر: حجة الاسلام دکتر لک زایی

و همه عزیزانی که در تهیه این پایان نامه یاری نمودند.

«فهرست مطالب»

2	مقدمه
7	فصل اول - مفهوم ادراکات اعتباری و جایگاه آن در منظومه فلسفی علامه طباطبایی
12	1 - کیفیت پیدایش علم اعتباری از انسان
12	اول - ماهیت تشبیه و کارکرد آن
14	دوم - ماهیت استعاره و کارکرد آن
14	سوم - صدق و کذب در استعاره (و اعتبار)
15	چهارم - استعاره [و اعتبار] مبتنی بر احساسات و دواعی است.
15	پنجم - نسبت استعاره [و اعتبار] با واقع خارجی
15	ششم - تعریف استعاره [و اعتبار]
16	هفتم - نسبت استعاره [و اعتبار] و علوم حقیقی
16	هشتم - کثرت در استعاره [و ادراکات اعتباری] یا سبک مجاز [از مجاز]
17	نهم - منشا پیدایی علوم و ادراکات اعتباری
18	دهم - دو جنبه وجودی انسان
18	یازدهم - جنبه وجودی اصیل
19	دوازدهم - جنبه وجودی نااصیل
19	سیزدهم - چگونگی پیدایش ضرورت اعتباری [=باید]
22	چهاردهم - ضابطه کلی اعتباری بودن یک مفهوم و فکر
23	پانزدهم - ثبات و تغییر و بقاء و زوال اعتباریات
24	2 - کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباریه (انقسامات)

24	اول - روش مطالعه و تحقیق
24	1 - سیر قهقرائی
24	2 - مردم شناسی
25	3 - مطالعه و «بررسی اجتماعات جانوران زنده»
25	4 - مطالعه و بررسی «فعالیت‌های فکری و عملی نوزادان خودمان»
25	دوم - نخستین تقسیم اعتباریات
26	سوم - اعتباریات قبل الاجتماع
26	1 - وجوب
26	2 - حسن و قبح - خوبی و بدی
27	3 - انتخاب اخف و اسهل (سبکتر و آسانتر)
28	4 - اصل استخدام و اجتماع
32	5 - اصل متابعت علم
36	6 - اعتبار ظن اطمینانی
39	7 - اعتبار چهار اصل: استحباب - احتیاط - براءت - توقف
40	8 - برخی دیگر از اعتبارات عمومی: اعتبار اختصاص - اعتبار فائده و غایت در عمل
40	چهارم - ملاحظاتی در باب اعتبارات عمومی (اعتبارات قبل الاجتماع)
40	ملاک و ضابطه اعتبارات عمومی
41	تصرف در اعتبارات عامه
41	تغییر اعتبارات، خود یکی از اعتبارات عمومی است
41	بخشهایی که در آنها تغییر اعتبارات رخ می‌دهد
42	- عوامل محیطی و جغرافیایی
42	- محیط عمل و نوع اشتغال

- 42 - کثرت ورود یک فکر به مغز انسان از طریق توارث افکار، تلقین، تربیت، تبلیغات و...
- 43 - تکامل و توسعه در معلومات
- 43 پنجم - اعتباریات بعدالاجتماع
- 43 1 - اصل ملک و اعتبار تبدیل
- 44 2 - کلام - سخن
- 44 - نیاز به کلام و سخن
- 44 - شروع کلام و سخن از محسوسات
- 44 - احساسات طبیعی
- 44 - دلالت لفظی
- 45 - اشتقاق و تهجی‌ها
- 45 3 - ریاست و مرئوسیت
- 46 4 - اعتبار امر و نهی و جزاء و مزد
- 46 5 - اعتبارات در مورد تساوی طرفین
- 47 3 - کیفیت ارتباط علوم اعتباریه با آثار واقعی و حقیقی یعنی با اعمال خارجی وجود انسان
- 51 فصل دوم - ادبیات و تفسیرهای نظریه ادراکات اعتباری
- 54 مرتضی مطهری
- 55 حواشی منتشر شده:
- 56 اول - تعریف ادراکات اعتباری
- 56 دوم - تفاوت‌های ادراکات اعتباری با ادراکات حقیقی
- 57 سوم - جایگاه، نقش و کارکرد مقاله ادراکات اعتباری
- 58 چهارم - توضیح تشبیه و استعاره و تمثیل
- 59 پنجم - «وهمی» بودن افکار و ادراکات عملی و اعتباری

- 59 ششم - عدم ارتباط تولیدی میان ادراکات اعتباری و ادراکات حقیقی
- 61 حواشی منتشر نشده
- 61 اول - آیا اعتباریات تابع احساسات است یا تابع اهداف و اغراض؟
- 62 دوم - آیا می‌توان برای غیرانسان هم ادراک اعتباری قائل شد؟
- 62 سوم - وجوب اعتباری عقلی و وجوب اعتباری خیالی
- 63 چهارم - چون دوست داریم، خوب می‌دانیم
- 64 پنجم - لذت و الم
- 64 ششم - آیا طبیعت انسان اجتماعی است یا انفرادی؟
- 64 هفتم - استخدام
- 68 هشتم - آیا ریشه اصل اختصاص، استخدام است یا رابطه فاعل با اثر خود؟
- 68 نهم - اعتبار علم
- 69 مقالات فلسفی
- 69 اول - به کارگیری نظریه ادراکات اعتباری در تحلیل و تقسیم حکمت نظری و حکمت عملی
- 69 دوم - تحلیل علوم عملی
- 70 سوم - نسبت علوم عملی و علوم نظری
- 70 چهارم - آیا ادراکات اعتباری، انشایی است یا اخباری
- 71 پنجم - آیا حوزه ادراکات اعتباری اعم از انسان است؟
- 71 ششم - حقیقت و ماهیت مفهوم حسن و قبح
- 71 هفتم - لذت و الم در پرتو نظریه ادراکات اعتباری
- 72 نقدی بر مارکسیسم
- 74 اول - نظریه ادراکات اعتباری، ابتکاری است
- 74 دوم - ریشه‌یابی این نظریه

- 76 سوم - تبیین نظریه ادراکات اعتباری
- 77 چهارم - «باید» اولین اعتبار است
- 77 پنجم - «خوب» از «باید» انتزاع میشود
- 77 ششم - تحلیل «خوب»
- 77 هفتم - تفاوت تحلیل علامه طباطبایی از مراتب انجام فعل با تحلیل قدما از آن
- 78 هشتم - موافقت تحلیل علامه طباطبایی از حسن و قبح با تحلیل قدما
- 78 نهم - مشابهت گفتار راسل با نظریه علامه طباطبایی
- 78 دهم - تحلیل اعتبار «استخدام»
- 79 یازدهم - انتقاد از تعمیم اعتبارسازی
- 79 دوازدهم - اعتبار از مختصات انسان عاقل است
- 80 سیزدهم - ادراکات اعتباری موقت‌اند
- 80 چهاردهم - حسن و قبح بنابر نظریه ادراکات اعتباری، نسبی‌اند
- 80 پانزدهم - تحلیل و توجیه احکام مشترک و کلی و دائم برای ادراکات اعتباری
- 83 عبدالکریم سروش
- 84 دانش و ارزش
- 84 اول - معنای ابتکاری بودن نظریه ادراکات اعتباری
- 85 دوم - شرح و توضیح مقاله ادراکات اعتباری
- 86 سوم - انتقادات بر نظریه ادراکات اعتباری
- 86 الف - انتقاد روش شناختی
- 87 ب - انتقاد محتوایی و مبنایی
- 88 ج - انتقاد از نظریه فطرت ارائه شده در مقالات ادراکات اعتباری
- 88 د - انتقاد تلفیقی از نظریه ادراکات اعتباری

- 89 چهارم - ضوابط تمیز ادراکات اعتباری از ادراکات حقیقی
- 90 تفرج صنع
- 90 اول - جایگاه مبحث ادراکات اعتباری و سرچشمه‌های آن
- 91 دوم - تحلیل ادراکات اعتباری:
- 91 1 - اعتبار تصدیق است
- 92 2 - ارتباط تولیدی میان ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری نیست
- 92 3 - «اینها قضیه و تصدیق‌اند... این قضایا بامعنی‌اند و محتوای ادراکی دارند».
- 4 - عدم ارتباط تولیدی میان تصدیقات اعتباری و تصدیقات حقیقی مربوط به منطوق ماده می‌شود نه منطوق صورت.
- 92
- 92 5 - ضابطه تصدیقات اعتباری چیست؟
- 92 6 - مراحل انجام فعل در نزد قدما و از نظر علامه طباطبایی
- 93 7 - احکام ادراکات اعتباری با احکام اندیشه‌های حقیقی متفاوت است.
- 93 8 - قوه متخیله می‌تواند ادراک کند.
- 94 9 - اعتبارسازی و تکلیف حیوانات
- 94 10 - حسن و قبح فعل فی‌نفسه
- 94 سوم - مقایسه نتایج نظریه ادراکات اعتباری با روبنا دانستن اخلاق در نزد مارکس
- 95 چهارم - مقایسه نظریه علامه طباطبایی با مکاتب فلسفه اخلاق
- 95 پنجم - مقایسه نظریه ادراکات اعتباری با نظریه افعال گفتاری
- 96 محمد تقی مصباح
- 96 تعلیقه بر «نهایه الحکمه»
- 96 اول - انواع اعتباریات
- 98 دوم - تقسیم مفاهیم و قضایای عملی به فقهی و اخلاقی و قانونی (حقوقی)

- 98 سوم - اعتباریات از باب وجوب بالقیاس الی‌الغیرند
- 98 سوم - ارزشها اعتباری نیستند
- 99 چهارم - علت اختلاف در ارزشها، اختلاف در شناخت برترین مقصود و راههای رسیدن به آن است.
- 99 پنجم - ارزش گذاری اعمال در گرو شناخت روابط پیچیده انسانی است و برای اشخاص عادی اقامه برهان در همه اینگونه موارد محال است و همین راز نیاز انسان به وحی میباشد.
- 99 ششم - تفاوت قضایای اخلاقی و قوانین وضعی
- 100 هفتم - اعتباریات قابل برهان نیستند، اما قضایای ارزشی و اخلاقی قابل برهان هستند
- 100 دروس فلسفه اخلاق
- 100 اول - انواع اعتباریات
- 101 دوم - لزوم تفاوت‌گذاری میان احکام اخلاقی و احکام حقوقی
- 102 سوم - نقد نظریه اعتباریات از جنبه نسبت اخلاقی
- 104 صادق لاریجانی
- 104 تعلیقات فلسفه اخلاق در قرن حاضر
- 105 اول - معانی اعتباریات
- 105 دوم - ماهیت اعتباری
- 105 1 - تحقق مفاهیم در ظرف عمل
- 106 1 - 1 - تعریف علامه طباطبایی از اعتباری
- 106 1 - 2 - اعتبار تصدیق است
- 107 1 - 3 - اعتبار وصف نسبت است و نه وصف مفهوم
- 107 1 - 4 - قوام هر اعتباری به چیست؟
- 107 1 - 5 - اعتبار = صیغه اخباری
- 108 2 - چگونه مفهوم «باید» مفهومی اعتباری است

- 109 2 - 1 - غایت اعتبار چیست؟
- 109 سوم - کیفیت اعتبار «باید» و انتقادات وارد بر آن
- 109 1 - کیفیت اعتبار «باید» در بیان علامه طباطبایی
- 110 2 - انتقادات وارد بر کیفیت اخذ اعتبار «باید»
- 110 2 - 1 - مفهوم باید از نسبت میان قوه فعاله و فعل گرفته نمی‌شود
- 111 2 - 2 - مفهوم باید غیر از مفهوم وجوب است
- 111 2 - 3 - اعتبار «باید» در مورد افراد غافل متصور است
- 112 2 - 4 - اعتبار «باید» خلاف وجدان و درون‌کاوی است
- 113 چهارم - رابطه اعتقاد با عمل
- 113 پنجم - ابتکاری بودن نظریه علامه طباطبایی
- 114 تقریرات خارج اصول
- 114 اول - نظریه اعتباریات، ایده اعتبار، ابداعات علامه طباطبایی، اهمیت بحث اعتباریات
- 115 دوم - اعتبار و حقیقت ادعاییه سکاکی
- 115 سوم - تنزیل و اعتبار
- 117 داوری
- 117 دفاع از فلسفه
- 118 اول - تعریف ادراکات اعتباری به بیان علامه طباطبایی
- 118 دوم - تقسیم جدیدی از علم
- 118 سوم - مراد از احکام عملی در نظریه ادراکات اعتباری
- 119 چهارم - تامل در تعمیم ادراکات اعتباری
- 119 پنجم - مطالب متقدمان در باب ادراکات اعتباری
- 120 ششم - الگو و اسوه علامه طباطبایی

- 121 هفتم - کارکرد و جایگاه مقاله ادراکات اعتباری
- 122 هشتم - روش و سبک مقاله ادراکات اعتباری
- 124 نهم - رابطه تولیدی میان «هست» و «باید»
- 124 دهم - حسن و قبح عقلی از نظر علامه طباطبایی
- 126 یازدهم - استخدام
- 128 دوازدهم - مقصود از طبیعت
- 130 جعفر سبحانی
- 130 حسن و قبح عقلی
- 130 اول - تعریف ادراکات اعتباری
- 130 دوم - ضابطه ادراکات اعتباری
- 130 سوم - اولین و عمومی‌ترین اعتبار
- 131 چهارم - ریشه تکوینی حسن و قبح
- 131 پنجم - معنای حسن و قبح در اصول فلسفه
- 131 ششم - ارزیابی نظریه علامه در مورد حسن و قبح
- 134 سید محمد رضا مدرسی
- 134 فلسفه اخلاق
- 135 اول - قضایای اخلاقی واقعی‌اند، بر خلاف قضایای اعتباری و استعاری
- 136 دوم - نیازی به لحاظ یک واسطه علمی «باید» میان انسان و فعل او نیست
- 137 سوم - علامه علاوه بر حسن و قبح اعتباری، به حسن و قبح حقیقی اضافی معتقد است!
- 137 چهارم - رابطه مفاهیم اخلاقی با علوم نظری
- 138 محسن جوادی
- 138 مساله «باید» و «هست»

- 139 اول - معانی اعتباری
- 139 دوم - معانی اعتباری به معنای مورد نظر در نظریه ادراکات اعتباری
- 140 سوم - علامه طباطبایی نظریه اعتباریات را در خصوص معانی اخلاقی تطبیق نمی کند
- 140 چهارم - آیا مفاهیم اعتباری، ادراکی است
- 140 پنجم - صیغه به کار گرفته شده در اعتبار اخباری است
- 141 ششم - حوزه اعتباریات کدام است
- 141 هفتم - ارتباط اعتبار و عالم خارج
- 141 هشتم - لزوم وجود مفاهیم اعتباری
- 142 نهم - اعتباری و مجاز ادعایی سکاکی
- 142 دهم - نسبت مفاهیم اعتباری و استعاره
- 142 یازدهم - نظریه ادراکات اعتباری و آثار و دستاوردهای دانشمندان غربی
- 143 دوازدهم - منابع و سوابق نظریه ادراکات اعتباری
- 143 سیزدهم - اعتباریات و انشاء
- 144 چهاردهم - آیا مفهوم وجوب اعتباری، وجوب بالغیر است یا وجوب بالقیاس الی الغیر
- 144 پانزدهم - دو نوع اعتبار وجوب
- 144 شانزدهم - پاسخ به اشکال دوری بودن ضابطه مفاهیم اعتباری
- 144 هفدهم - رابطه نظریه ادراکات اعتباری با مساله باید و هست
- 145 هیجدهم - مفهوم حسن و قبح و اعتباری بودن آن
- 145 نوزدهم - کاربردهای نظریه اعتباریات
- 146 بیستم - چند اشکال بر نظریه اعتباریات
- 149 حسین اژدری زاده
- 152 فصل سوم - ارکان و عناصر نظریه ادراکات اعتباری

154	نظام طبیعت
159	نظریه حرکت
160	تحلیل شیخ از حرکت اختیاری
161	مشابهت‌ها
161	حرکت جوهری به تحلیل علامه طباطبایی
162	1 - تصویر کلی از حرکت در جهان طبیعت
163	2 - مبانی حرکت در موجودات
164	انسان
165	الهام فجور و تقوی
166	فطرت و سعادت
168	فطرت واحد انسانی
169	دین و سعادت
172	اعمال انسان و جهان واقع
176	نگاهی به تعامل عقل و دین
183	تحلیل علوم و ادراکات
184	ماهیت اجتماعی دانش و معرفت
187	سازمان علّیت و معلولیت
187	اعتبار و استعاره
187	مکانیزم اعتبارسازی و انقسامات اعتباریات
191	فصل چهارم - الزامات و پیامدهای نظریه ادراکات اعتباری
193	حسن و قبح
195	سیر به کارگیری معنای حسن و تحلیلی از حسن و قبح اعتباری

206	عقل
217	استخدام
221	عدالت اجتماعي
228	عقد اجتماعي عام کدام است؟
229	سرایت عدالت اجتماعي به اجتماع جهاني
231	عدالت از نظر علامه طباطبائي
233	چرا خواهان عدالت هستیم؟
233	اقتصاد
241	آزادي
244	خانواده
249	ملک و حکومت
253	دين
253	آغاز دين
259	کاربردهاي نظريه اعتباريات
259	1 - سکولاريزاسيون
260	2 - ثابت و متغير
260	3 - اعتبار عمومي و اعتبار پيش از اجتماع
262	4 - تحليل قدرت
263	5 - ایده ملک اجتماعي
265	- آیا صدای مردم صدای خداست؟
266	6 - روابط بين الملل
268	فصل پنجم - اندیشه اجتماعي - سياسي علامه طباطبائي

269	اول - حقیقت انسان و تاریخ او
269	نگاه اجمالی:
271	تاریخ زندگی اجتماعی
272	انسان شناسی
273	علوم و ادراکات عملی و اعتباری
275	انسان موجودات دیگر را برای بهره‌بردن به خدمت می‌گیرد.
275	انسان مدنی‌الطبع
276	حدوث اختلاف
277	رفع اختلاف
279	اختلاف در دین
279	اختلاف در دین و اختلاف قرائت‌ها از دین
280	انسان بعد دنیا
281	امت واحده
283	بعثت انبیاء
283	نبوت و فطرت
284	جمع بندی
285	دوم - جامعه اسلامی
285	نگاه اجمالی :
291	پیدایی و پیوند جامعه اسلامی
292	1 - انسان و اجتماع
292	2 - انسان و رشد و نمو او در اجتماع انسانی
293	3 - اسلام و عنایت آن به اجتماع

- 294 4 - توجه اسلام به رابطه فرد و جامعه
- 295 5 - سنت اجتماعی اسلام
- 299 6 - تحقق و برقراری اجتماع اسلامی
- 301 7 - دو منطق
- 302 8 - اجر خواستن از خدا و اعراض از غیر خدا
- 302 9 - آزادی در اسلام
- 303 10 - تحول و تکامل در جامعه اسلامی
- 303 11 - شریعت اسلام و زندگی کنونی
- 304 12 - ولایت جامعه در اسلام
- 306 13 - مملکت اسلامی
- 306 14 - اسلام در همه شئونش اجتماعی است.
- 310 15 - آینده جهان
- 311 ملاحظه نخست:
- 311 عوامل و چگونگی پیدایی و پیوند جامعه اسلامی
- 313 ملاحظه دوم:
- 313 نسبت نظریه ادراکات اعتباری و این گفتار
- 314 ملاحظه سوم :
- 314 چند تذکر:
- 314 اجتماعات مدنی
- 314 آیا اندیشه علامه طباطبایی یک اندیشه دمکراتیک است؟
- 317 ملاحظه چهارم:
- 317 جایگاه شورا در اندیشه علامه طباطبایی

319	- جایگاه شورا در جامعه اسلامی:
320	- بیان علامه طباطبایی در باب شورا در تفسیر شریف المیزان:
322	نگاه کلی به سراسر فصل:
324	نتیجه گیری
332	پیوستها
333	پیوست «الف»
334	پیوست «ب»
337	پیوست «ج»
339	پیوست «د»
343	پیوست «ه»
345	پیوست «و»
348	پیوست «و»
352	کتابشناسی

چکیده:

موضوع این پژوهش، بررسی نسبت ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی است. در نظریه ادراکات اعتباری نظام طبیعت، انسان را به گونه‌ای قرار داده که برای تصرف در جهان خارج و تعامل با آن، بر اساس ادراکات اعتباری عمل می‌کند. ادراکات اعتباری مولود احساسات درونی بوده و بنابر این دو گونه‌اند: عمومی و خصوصی. اعتباریات یا در نسبت انسان با ماده خارجی است و یا قائم به جامعه است. بنابر این دو گونه اعتباریات پیش از اجتماع و بعد از اجتماع نیز پیدا می‌شود. این دو تقسیم بندی بر یکدیگر انطباق دارند؛ یعنی اعتباریات یا عمومی و پیش از اجتماع هستند و یا خصوصی و بعد از اجتماع. گروه اول ثابت و گروه دوم متغیرند. در عین پویایی مصادیق اعتباریات عمومی و خصوصی، عقلانیت ارزشی خاصی از نظریه ادراکات اعتباری استنتاج می‌گردد که می‌تواند راهنمای تغییرات باشد. از جمله اعتباریات گروه نخست: وجوب، حسن و قبح، انتخاب اخف و اسهل، استخدام و اجتماع، متابعت علم، اعتبار ظن اطمینانی، اختصاص؛ و از جمله اعتباریات گروه دوم: ملک، کلام، ریاست و مرئوسیت، امر و نهی، جزا و مزد، می‌باشند.

نظریه ادراکات اعتباری نظریه‌ای در باب حرکت ارادی است و بر تبعیت اراده از علم مبتنی است. حرکت نیازمند ماده مناسب و امکان ویژه است این امکان ویژه در انسان فطرت نامیده می‌شود. غایت حرکت استکمالی انسان، فلاح و سعادت است و از آنجایی که موجودی اجتماعی است این حرکت استکمالی و غایت آن با حیات اجتماعی انسان تحقق می‌یابد و زندگی اجتماعی نیازمند قوانین است که در عرف قرآن «دین» نامیده می‌شود. دین الهی هم از فطرت انسان نشأت می‌گیرد و هم احکام آن مبتنی بر فطرت است.

نسبت فطرت و دین، اجمال و تفصیل است و انسان با عقل عملی فطری می‌تواند به حسن و قبح و مصلحت و مفسده در احکام الهی پی ببرد. آموزه‌های وحی با تخاطب با عقل، نظری و عملی، آن را به سلامت فطری خود باز می‌گرداند و توانائی‌های درونی آن را آشکار می‌سازد و احکام دین برای مصلحت عقل است. انسان بر اساس قریحه استخدام در صدد بهره‌بردن از جهان پیرامون است و از این رو به اجتماع منزلی و اجتماع تعاونی و مدنی می‌رسد. از آنجا که انسان‌ها از نظر قریحه استخدام مانند یکدیگرند، برای تحقق و برقراری اجتماع، انسان به عدالت اجتماعی منتهی می‌شود. معیارهای تشخیص عدالت، عقل و شرع و عرف است. از انشعابات قریحه استخدام، مالکیت و خانواده است. جنایت‌ها و تجاوزها از فقر مفرط و یا غنای مفرط بوده و راه حل اسلام آزاد گذاشتن مردم، در حدود فطرت، برای تولید و مصرف ثروت و ایجاد تقارب میان طبقات اجتماعی با توزیع عادلانه و هدایت مصرف است.

خانواده بنیاد جامعه مدنی است و دستگاه‌های طبیعی انسان او را به تولید مثل از طریق ازدواج و تربیت اولاد هدایت می‌کند. از زندگی اجتماعی و عدالت اجتماعی اعتبار مَلک اجتماعی پیدا می‌شود که از آن مردم است. قرآن کریم با مخاطب قرار دادن جامعه برای اجرای احکام، مَلک اجتماعی را برای آنان قرار می‌دهد و حکومت اسلامی بر اساس سیره امامت و مصلحت جامعه و شورای مسلمین عمل می‌کند. اسلام با توحید و اخلاق حسنه و اعمال صالحه، ضمانت اجرای احکام خود را علاوه بر حکومت اسلامی بر عهده جامعه قرار داده و برای وحدت اعتقادی جامعه، آزادی تفکر در معارف دین و تدبیر و بحث و تفکر و اجتهاد اجتماعی و تربیت اخلاقی و هدایت به اعمال نیکو و دعوت و تبلیغ را با رعایت ظرفیت عقول در پیش گرفته است.

واژگان کلیدی: علوم و ادراکات حقیقی، علوم و ادراکات اعتباری، اعتبارات عمومی، اعتبارات خصوصی، ثابت و متغیر، عقل عملی، عقل نظری، فطرت، استخدام، عدالت، مصلحت، قدرت، آزادی، مَلک اجتماعی، شورا، عقلانیت ارزشی.

مقدمه

بیان مسأله (تشریح ابعاد و حدود مسأله و معرفی دقیق آن، بیان جنبه‌های مورد توجه در پژوهش حاضر) پژوهش حاضر در صدد تبیین اندیشه اجتماعی - سیاسی علامه طباطبایی و نسبت آن با ادراکات اعتباری، نظریه ابتکاری علامه طباطبایی، است. اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی به طور عمده در تفسیر میزان طرح شده و نظریه ادراکات اعتباری در دو رساله اعتباریات و الانسان فی الدنيا و مقاله ادراکات اعتباری بیان شده است ارتباط و تعامل میان این دو، اندیشه اجتماعی - سیاسی و نظریه ادراکات اعتباری، و لوازم و پی‌آمدهای اجتماعی - سیاسی نظریه ادراکات اعتباری کمتر مورد توجه قرار گرفته و در این پژوهش این نسبت و تعامل و لوازم و پی‌آمدها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:

- 1 - پژوهش حاضر و موضوع آن، تلاشی در جهت تبیین اندیشه اجتماعی - سیاسی اسلام است.
- 2 - جامعیت قابل توجه شخص علامه طباطبایی که فقیه و اصولی و مفسری است که مبانی فلسفی و نظری روشن و منسجمی دارد.
- 3 - جنبه‌های عقلی و اندیشه‌ای و تفسیری و کاربردی بحث نیز مورد توجه بوده است.

سابقه پژوهش:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

شهید مطهری در درس‌های «تقدی بر مارکسیسم» و در دروس فلسفی خویش به این نظریه پرداخته، آقایان مصباح یزدی، مدرسی، سروش، لاریجانی و سبحانی و جوادی و ... نیز این نظریه را مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند. رویکرد به این نظریه تاکنون عمدتاً از دیدگاه فلسفه اخلاق و یا فلسفه محض بوده و ابعاد اجتماعی - سیاسی آن مورد توجه قرار نگرفته است.

پرداخت‌هایی هم که به اندیشه اجتماعی - سیاسی علامه طباطبایی شده است، تا آنجایی که ملاحظه شده بدون توجه به نظریه ادراکات اعتباری بوده است.

آثاری مانند «حسن و قبح» آقای سبحانی، «تفرج صنع»، «دانش و ارزش»، «درس‌های علم الاجتماع» آقای سروش، «تعلیقات بر نه‌ایة الحکمة»، «درس‌های فلسفه اخلاق» آقای مصباح، تعلیقات بر «فلسفه اخلاق» وارنوک از آقای لاریجانی و ... آثار دیگری که در کتابشناسی به آنها اشاره شده است، از جمله سابقه این پژوهش می‌باشند.

سؤال اصلی پژوهش:

نسبت اندیشه اجتماعی - سیاسی علامه طباطبایی با نظریه ادراکات اعتباری ایشان چگونه است؟

فرضیه‌های پژوهش:

اندیشه اجتماعی - سیاسی علامه طباطبایی مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری ایشان است.

مفاهیم و متغیرها:

ادراکات اعتباری، اعتبارات پیش از اجتماع، اعتبارات بعد از اجتماع، استخدام، عدالت و مصلحت، ثابت و متغیر، حیات اجتماعی انسان، زعامت و حکومت.

سؤالات فرعی پژوهش:

- مفهوم ادراکات اعتباری چیست؟

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

- مبانی هستی شناختی آن کدام است؟

- مبانی معرفتی آن کدام است؟

- مقومات یا ارکان نظریه ادراکات اعتباری چیست؟

پیش فرض‌های پژوهش:

- نظریه ادراکات اعتباری بر اساس نوعی خودکاوی و مردم‌شناسی طرحی اساسی از انسان و افعال او ارائه نموده و بر این اساس نظریه اجتماعی و سیاسی به دست می‌دهد.

- این نظریه گرچه مشابهت‌هایی با نظریات پراکنده دیگر اندیشمندان دارد، اما ابتکاری و دارای اصالت می‌باشد.

- این نظریه می‌تواند به پرسش‌هایی در باب مفاهیم بنیادی اندیشه اجتماعی - سیاسی پاسخ گفته و جنبه‌های کاربردی نیز داشته باشد.

اهداف پژوهش (شامل اهداف علمی، کاربردی و ضرورت‌های خاص انجام پژوهش):

1 - تلاش در جهت تبیین اندیشه اجتماعی - سیاسی اسلام و قرآن.

2 - تبیین نظری مفاهیمی چون عدالت، مصلحت، قدرت، آزادی، ثابت و متغیر و ...

3 - تبیین نظریه ادراکات اعتباری به مثابه بنیاد نظری اندیشه اجتماعی - سیاسی.

روش پژوهش :

نوع روش پژوهش : توصیفی

روش گرد آوری اطلاعات و داده‌ها: کتابخانه‌ای

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها : توصیفی - تحلیلی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

سازمان دهی پژوهش: این پژوهش در یک مقدمه و پنج فصل و یک نتیجه گیری تنظیم شده است.

در فصل اول طرحی کلی از نظریه ادراکات اعتباری عمدتاً بر اساس مقاله ادراکات اعتباری و به کمک دیگر آثار ایشان در این باب ارائه شده و در فصل دوم تفسیرهایی که از مقاله ادراکات اعتباری، و در طول دهها سال به صورت ادبیات این نظریه فراهم آمده، تبیین و بحث گردیده است.

در فصل سوم ارکان و عناصر نظریه ادراکات اعتباری بحث و تجزیه و تحلیل شده و نظام طبیعت و نظریه حرکت و حرکت جوهری و فطرت انسان به عنوان امکان در ماده حرکت استکمالی انسان، و غایت حرکت استکمالی اجتماعی انسان و نیاز این حرکت به قوانین وحی و نبوت و تعامل عقل و وحی و ماهیت علم و ادراک به عنوان ارکان و عناصر اساسی نظریه و مکانیزم اعتبار سازی و انقسامات آن به عنوان دیگر عناصر نظریه طرح شده است. در فصل چهارم الزامات و پی‌آمدهای نظریه همچون مباحثی در حسن و قبح، عقل، استخدام، اجتماع، عدالت اجتماعی، اقتصاد، خانواده، مُلک اجتماعی، دین، به تفصیل و عمدتاً بر اساس تفسیر شریف المیزان پی گرفته شده است.

در فصل پنجم اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی بر محور دو گفتار مستقل از ایشان در تفسیر المیزان، بازخوانی شده است و در پایان با عنوان نتیجه گیری، جمع بندی کلی مباحث ارائه شده است.

فصل اول - مفهوم ادراکات اعتباری و جایگاه آن در منظومه فلسفی علامه طباطبایی

واژه «اعتبار» معانی و کاربردهای گوناگونی دارد؛ مقصود از این واژه در اینجا این است که ما دو نوع علوم و ادراکات داریم، یکی ادراکات و علوم حقیقی که ما به ازاء خارجی دارند و از «واقع» گزارش می‌دهند و دیگر ادراکات و علوم اعتباری که در حقیقت آفرینش قوای ادراکی انسان هستند و از «واقع» گزارش نمی‌دهند، بلکه در «واقع» تصرف می‌کنند. همان طور که به تفصیل خواهیم دید، علامه طباطبایی از اوایل ورود و اقامت در نجف، رساله الاعتبارات را نگاشته و در آنجا برای نخستین بار طرح اولیه این نظریه را اظهار نموده است، با توجه به مقدمه این رساله، دریافت علامه طباطبایی این است که این نظریه قبل از او طرح نشده است و هیچکدام از اندیشمندان آن را اظهار ننموده‌اند؛ بنابر این بیشتر به نظر می‌رسد که این نظریه حاصل تأملات شخصی علامه طباطبایی باشد؛ تأملات او در خودش و درون نگری و درون کاوی‌های شخصی به اضافه تأملات در احوالات آدمیان و کودکان و زندگی‌ها و اجتماعات ساده و ابتدایی و حتی تأمل در احوالات حیوانات و جانوران و همچنین جمادات و نباتات. نمونه همه اینها را می‌توان هم در رساله الاعتبارات و هم در مقاله ادراکات اعتباری به روشنی مشاهده نمود. برخی گزارشات از حالات آن جناب نیز حاکی از این است که بیشتر اهل تأمل و تفکر بوده است تا مراجعه به کتب گوناگون و دریافت از آنها. از برادر بزرگوار ایشان نیز، که گفته می‌شود این دو مانند یک روح بودند در دو بدن، نقل شده است که با تأمل در صداهای طبیعی و ابتدایی، کتابی در موسیقی و تأثیر آن در انسان نگاشته است.¹

1 - نک: محمد حسین حسینی طهرانی، مهر تابان، چاپ اول، بدون محل چاپ، انتشارات باقر العلوم (ع)، بی تا، ص 24: می‌فرمودند: برادر ما راجع به

از مقدمه شهید مطهری و حواشی و سپس تلاش‌ها و تحقیقات بعدی آن بزرگوار هم برمی‌آید که در تلاش است از اینجا و آنجا مواد و مبانی‌ای برای تفسیر این نظریه فراهم کند و احیاناً سوابقی برای آن بجوید؛ از تمسک به نظریات داروین و لامارک گرفته تا استناد به بیان قدما درباره حکمت نظری و حکمت عملی، در حالی که بر اساس آنچه بیان شد بیشتر باید روی تحلیل و تفسیر محتوای نظریه و متن نوشته شده علامه طباطبایی حساب کرد تا تلاش‌هایی از این دست. در ادامه توضیح بیشتری درباره سه دوره زندگی فکری علامه طباطبایی خواهد آمد. در اینجا لازم به تذکر است که این سه دوره، سه دوره مجزای از یکدیگر به حساب نمی‌آیند، بلکه بیشتر سه دوره تکامل و بسط فکر و اندیشه علامه، به ویژه در خصوص این نظریه، می‌باشند.

همانطور که گفته شد طرح نظریه در رساله الاعتبارات، بیشتر حاصل تأملات شخصی و درون نگرانه و ... است؛ اول بار شهید مطهری احتمال داده است که علامه طباطبایی ایده اعتباریات را از استاد خود مرحوم اصفهانی گرفته باشد و ظاهراً دیگران پس از او این احتمال را پی گرفته‌اند.²

گرچه علامه طباطبایی از 1304 به درس جناب اصفهانی حاضر شده است³ و جناب اصفهانی در آثار خود در باب اعتباریات مطالب قابل توجهی را متذکر شده است. اما اولاً همانطور که گفته شد، تلقی علامه طباطبایی این است که او نخستین شخصی است که این مطالب را اظهار و تدوین می‌کند و معلوم هم نیست که در همان یکی دو سال نخست جناب اصفهانی این مطالب را طرح نموده باشند و یا این مطالب به علامه طباطبایی انتقال یافته باشد، به علاوه آنچه از آثار اصفهانی دیده شده و یا نقل شده، در حد تبیین برخی مفاهیم اصلی و مقدماتی این مبحث می‌باشد، نه بیشتر.⁴

تأثیر صدا و کیفیت آهنگها و تأثیر آن در روح و تأثیر لالایی برای کودکان که آنها را به خواب می‌برد؛ و به طور کلی از اسرار موسیقی، و روابط معنوی روح با صداها و طنین‌های وارده در گوش، کتابی نوشتند، که انصافاً رساله نفیسی بود، و تا بحال در دنیای امروز بی نظیر و از هر جهت بدیع و بی سابقه بود...

2 - نک: مرتضی مطهری، نقدی بر مارکسیسم، چاپ اول، قم، انتشارات صدرا، بی تا، ص 190 پاورقی ش 1.

3 - علامه در این زمان 23 سال داشته زیرا تولد ایشان در سال 1281 بود.

4 - نک: محمد حسین اصفهانی، نه‌ایة الدراية، به تحقیق مهدی احدی امیر کلائی، الطبع الاولي، قم، انتشارات سید الشهداء، 1374 هـ. ش.

محمد حسین اصفهانی، حاشیة کتاب المکاسب، تحقیق عباس محمد آل سباع القطیفی، الطبعة الاولي، بی جا، المحقق، 1418 هـ. ق.

محمد حسین اصفهانی، بحوث فی الاصول، الطبعة الثانية، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، 1416 هـ. ق.

بنابر این نظریه ادراکات اعتباری را باید حاصل تأملات فقهی و اصولی و تأملات درون نگرانه و درون کاوانه به اضافه تأمل در احوالات حیوانات و جانوران و زندگی‌های ابتدایی دانست.⁵

سازمان بحث ادراکات اعتباری در اندیشه جناب اصفهانی می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد و تا چنین پژوهشی انجام نگیرد نمی‌توان به طور قطع از مشابهت‌ها و تفاوت‌های اساسی میان تحلیل آن بزرگوار از ادراکات اعتباری و تحلیل علامه طباطبایی از ادراکات اعتباری سخن گفت. نهایتاً الدرایة جناب اصفهانی به تاریخ 12 شعبان 1332 می‌باشد حاشیة المکاسب ایشان نیز به تاریخ 11 جمادی الاخرة 1349 هجری قمری و رساله الاصول علی النهج الحدیث آن بزرگوار به تاریخ 5 ذی الحجة 1361 هجری قمری است.

این رساله اخیر که حدود 13 سال پس از رساله الاعتبارات نوشته شده حداقل یک تفاوت مهم و اساسی با آن دارد. در رساله الاصول مراحل انجام فعل چنین است: تصور فعل + تصدیق فائده ← شوق ← هیجان عضلات ← حرکت.⁶ این در حالی است که همانطور که به تفصیل در همین فصل و فصل سوم خواهد آمد، در تحلیل علامه طباطبایی انجام فعل و تحقق اراده مستقیماً بر علم مترتب می‌گردد.

در سال‌های 29 تا 32 که سال‌های القاء و نگارش مقالات اصول فلسفه معرفی شده⁷، علامه طباطبایی در مقام پاسخ‌گویی به انتقادات و ادعاهای مارکسیستی بود و مباحث نظری و فلسفی خود را در همین راستا تنظیم کرده است. در مقالات اولیه در باب واقعیت و ارزش علم و دانش و پیدایش کثرت در ادراکات، محور عمده مبحث، علوم حقیقی است؛ به تناسب بحث از ادراکات اعتباری مطرح می‌شود، و اظهار می‌گردد که تحولاتی که در علم و دانش رخ می‌دهد، در این گروه از ادراکات است و نه در ادراکات حقیقی.

5 - از شرح زندگانی علامه طباطبایی به قلم خود ایشان برمی‌آید که قبل از دوره نجف اشارات را در تبریز خوانده است. برای مقایسه میان نظریه ادراکات اعتباری و متن و شرح اشارات؛ نک: الشیخ ابی علی حسین بن عبدالله بن سینا، الاشارات و التنبیها، مع الشرح للمحقق نصیر الدین محمد بن محمد بن الحسن الطوسی و شرح الشرح العلامة قطب الدین محمد بن ابی جعفر الرازی، چاپ دوم، قم، دفتر نشر کتاب، 1403 هـ ق، النمط الثالث فی النفس الارضية و السماوية - تکملة النمط بذكر الحركات عن النفس، ص 404.

6 - نک: شیخ محمد حسین الاصفهانی الاصول علی النهج الحدیث، ص 44، بحوث فی الاصول، الطبعة الثانية، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، 1416 هـ ق.

7 - علامه سید محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج 1، مقدمه و پاورقی به قلم استاد شهید مرتضی مطهری، بی نوبت چاپ، قم، انتشارات صدرا، بی تا، ص «یز»، مقدمه آقای مطهری.

با توجه به این زمینه گفته شده است که جایگاه مقاله ادراکات اعتباری دفاع از ثبات علوم حقیقی است. اما این گفتار تام به نظر نمی‌آید زیرا دقت در محتوای مقاله نشان می‌دهد که رسالت آن فراتر از این است و پی‌گیری طرح همین مبحث در رساله‌های اعتباریات و رساله‌های انسان فی الدنیا که فارغ از چنین انگیزه‌ای است، نشان می‌دهد که در عین توجه به چنین موقعیتی در کتاب اصول فلسفه، این مبحث را باید مستقلاً نیز مورد توجه و تأمل قرار داد. به علاوه می‌توان همین نظریه را چه به صورت عناصر و اجزاء و چه به صورت طرح کلی آن، در مباحث گوناگون تفسیری، فلسفی، اجتماعی و سیاسی، در تفسیر شریف المیزان مشاهده نمود.

بنابر این دور نیست اگر گفته شود نظریه ادراکات اعتباری جایگاهی مبنایی و اساسی در منظومه فکری و فلسفی علامه طباطبایی دارد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

اندیشمندان و محققانی که به نظریه ادراکات اعتباری پرداخته‌اند، متأسفانه آن را در چارچوب‌هایی تنگ دیده‌اند و از نگاه به آن از زاویه کلیت آثار علامه طباطبایی غفلت نموده‌اند. بنابر این این نظریه تاکنون در موقعیت ویژه‌ای که در اندیشه علامه طباطبایی دارد، مورد مطالعه قرار نگرفته است.

به علاوه همان نگاه‌هایی هم که شده است نظریه را بیشتر از زاویه دغدغه‌های کلامی و یا فلسفه اخلاق مورد توجه قرار داده‌اند. گرچه لازم است تلاش‌ها و زحمات این اندیشمندان و محققان که هر یک به سهم خود در هموارتر نمودن راه برای طرح و مطالعه و تحقیق در این نظریه نقش داشته‌اند مورد تجلیل و تقدیر قرار گیرد.

همانطور که اشاره شد، اگر زندگانی علامه طباطبایی را به سه دوره تقسیم نمائیم [دوره نجف از 1304 تا 1316 - دوره تبریز از 1316 تا 1325 - دوره قم از 1325 تا 1360] در هر سه دوره ایشان موضوع ادراکات اعتباری را طرح و بحث نموده‌اند:

دوره نجف: «رسالة الاعتباریات» در ضمن «سائل سبعة».

تاریخ اتمام این رساله «لیلة النصف من شهر شعبان المعظم» 1348 هـ. ق [تقریباً سال‌های 6 - 1305 هـ ش] است. بنابر این رساله‌های اعتباریات در سال‌های اول ورود و اقامت در نجف نگاشته شده است.

دوره تبریز: «رسالة الانسان فی الدنیا» در ضمن «کتاب الانسان».

تاریخ اتمام کتاب دهه اول جمادی الثانی 1360 هـ ق [تقریباً سال‌های 8 - 1317 هـ ش] است. بنابر این رساله الانسان فی الدنيا و به طور کلی «کتاب الانسان» را در اوائل ورود به تبریز نگاشته است.

دوره قم: مقاله ششم از اصول فلسفه و روش رئالیسم با عنوان ادراکات اعتباری و نیز تفسیر المیزان. با توجه به مقدمه شهید مطهری بر جلد اول کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، می‌توان احتمال داد که این مقاله در سال‌های 30 و 31 نوشته شده و احتمالاً یکی دو سال قبل از این تاریخ، در جلسه‌ای که به این منظور تشکیل می‌شد، تقریر شده باشد. بر اساس گزارش واعظ زاده خراسانی⁸، می‌توان احتمال داد که تفسیر شریف المیزان نیز در سال‌های 30 در حوزه علمیه تدریس و سپس چاپ شده باشد.⁹ تاریخ اتمام جلد بیستم تفسیر «لیلة القدر المبارکة الثالثة و العشرین من لیالی شهر رمضان 1392 هـ ق» [تقریباً سال‌های 50 و 51 هـ ش] است. بنابر این تدریس و نگارش المیزان حدود 20 سال طول کشیده و اجزاء بحث ادراکات اعتباری از همان جلد اول در این تفسیر طرح گردیده است.

با توجه به سبک نگارش و اطلاعات موجود، می‌توان احتمال داد که مقاله ادراکات اعتباری، مقاله ششم اصول فلسفه و روش رئالیسم، در چند نوبت نوشته شده و در جلساتی که به منظور مباحث فلسفی دایر شده بود، ایراد گردیده. در اواخر مقاله، علامه تقسیم بندی‌ای را ارائه داده است که می‌توان آن را به مثابه بنیاد سازمان مقاله ادراکات اعتباری تلقی کرد و بر اساس مطلب پیش گفته شده می‌توان این را نظر نهایی و یا حداقل کامل‌ترین نظر موجود از نویسنده در این باره تلقی نمود. مطلب مورد اشاره چنین است: «گفتگوی ما در علوم اعتباریه در سه بخش می‌باشد:

1 - کیفیت پیدایش علم اعتباری از انسان.

2 - کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباریه (انقسامات).

3 - کیفیت ارتباط علوم اعتباریه با آثار واقعی و حقیقی یعنی با اعمال خارجی وجود انسان»¹⁰

همین تقسیم بندی را اساس فصل حاضر قرار داده و مباحث ادراکات اعتباری را حول آن سامان می‌دهیم.

8 - برای گزارش واعظ زاده خراسانی، نک: به پیوست الف

9 - محمد حسین حسینی طهرانی، شروع نگارش این تفسیر را حدود 1374 هـ ق معرفی می‌کند یعنی سال‌های 31 و 32 شمسی. برای این گزارش

نیز نک: پیوست ب

10 - محمد حسین طباطبایی، پیشین ج 2 ص 224.

1 - کیفیت پیدایش علم اعتباری از انسان

می توان گفتار علامه در صص 143 تا 187 را تحت همین عنوان قرار داد و آن را به ترتیب ذیل مطالعه نمود:

اول - ماهیت تشبیه و کارکرد آن

چرا علامه طباطبایی در مقاله ادراکات اعتباری، مطلب را از تشبیه و استعاره شروع می کند؟ در رساله الاعتباریات و یا الانسان فی الدنيا، از این جا شروع نموده است و تاکنون هم ادعا نشده است که ایشان از مباحث ادبی و زبان شناسی به این نظریه رسیده باشند. آیا جهت شروع بحث این بود که مخاطبان علامه طباطبایی به تدریج در فضای بحث از ادراکات اعتباری قرار گیرند و به تدریج ذهن آنان از فضای علوم حقیقی و معانی معهود فلسفی واژه «اعتبار» خارج گردد، و یا اینکه با آوردن نمونه ای مشابه برای ماهیت و مکانیزم «ادراکات اعتباری» بدیع بودن آنرا و استغراب و استنکار را کاهش دهند؟ یا اینکه واقعا پس از سال ها که از طرح اولیه نظریه می گذشت، به این نتیجه رسیدند که تشبیه و استعاره هم همان ماهیت و کارکردهای اعتبار را دارد؟ در هر صورت نحوه شروع و آغاز مطلب نیاز به مطالعه و تحقیق و تأمل و دقت بیشتری دارد.

آنطور که از قرائن برمی آید مباحث مربوط به تشبیه و استعاره عقلی یا لفظی دانستن آن در حوزه علمیه قم در آن زمان بازار گرمی داشته است که ظاهرا با ورود و تدریس جناب آقا محمد رضا اصفهانی صاحب «وقایة الاذهان»¹¹ پیدا شد. به احتمال علامه طباطبایی می خواسته از این انس ذهنی شرکت کنندگان در جلسات اصول فلسفه و روش رئالیسم، برای ارائه مبحث ادراکات اعتباری استفاده کند. علامه سالها بعد، در سال های 1338 هـ ش، بار دیگر از نسبت میان استعاره و اعتباریات سخن گفته و آن را تنها یک شباهت در ماهیت و کارکرد این دو به شمار آورده است.¹²

11 - نک: محمد رضا النجفی الاصفهانی، وقایة الاذهان، تحقیق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، قم، مؤسسة آل البيت عليهم

السلام لاحیاء التراث، 1413 هـ ق.

12 - نک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 8، بی نوبت چاپ، قم، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم

المقدسة، بی تا، ص 54. علامه طباطبایی در آخرین اظهار نظر اعتبار را نوعی استعاره معرفی نموده است؛ نک: فصل دوم.

در عین حال قابل توجه است که جناب محمد حسین اصفهانی در رساله حق و حکم تلویحا استعاره را نوعی اعتبار شمرده است.¹³

«عمل تشبیه به منزله یک معادله است که در میان مشبّه و مشبّه به انجام می‌گیرد که با ملاحظه خواص و اوصاف مشبّه به، احساسات درونی پیدا شده و یک سلسله معانی احساسی به سوی مشبّه اضافه نماید و از این تمثیل احساسی نتیجه عملی گرفته شود»¹⁴.

دوم - ماهیت استعاره و کارکرد آن

«استعاره» که نوعی از تشبیه است، مشابهت‌های قابل توجهی با «اعتبار» دارد؛ این مشابهت‌ها را در موارد زیر به روشنی می‌توان یافت:

1- تعریف استعاره و اعتبار. 2- ابتناء هر دو بر احساسات و دواعی. 3- اخذ از واقع خارجی. 4- تأثیر در واقع خارجی. 5- چگونگی صدق و کذب در این دو. 6- پیدایش کثرت در آنها.

«عمل استعاره به منزله نتیجه معادله و تبدیل است که مشبه به را به جای مشبه گذاشته و نتایج بالا[: احساسات درونی بیدار شده و یک سلسله معانی احساسی بسوی مشبه اضافه نماید و از این تمثیل نتیجه عملی گرفته شود.¹⁵] را مستقیما و بی مقایسه به دست آوریم»¹⁶.

سوم - صدق و کذب در استعاره [و اعتبار]

از آنجایی که بعدا علامه طباطبایی مطالبی را که درباره استعاره می‌گوید، به اعتبار نیز سریان می‌دهد، بنابر این آنچه از اینجا به بعد درباره استعاره می‌گوید، درباره اعتبار نیز جاری است. ایشان درباره صدق و کذب استعاره می‌گوید: «با معیار

13 - بل التحقيق ... انها [یعنی اعتبار] موجوده بوجودها الاعتباری لا بوجودها الحقیقی... اوجده من له الاعتبار بوجوده الاعتباری، مثلا الاسد بمعنی

الحيوان المفترس معنی لو وجد بوجوده الحقیقی لکان فردا من نوع الجهر، لکنه قد اعتبر زیدا اسدا، فزید اسد بالاعتبار...

نک: محمد حسین اصفهانی، رساله تحقیق الحق و الحکم ص 30، حاشیه کتاب مکاسب، پیشین.

14 - همان، ص 144.

15 - همان ص 144.

16 - همان، ص 145.

مطابقت و عدم مطابقت با واقع، استعاره کاذب است، گرچه آثار حقیقی دارد؛ زیرا تهییج احساسات درونی و آثار خارجی مترتب با احساسات درونی را به دنبال خود دارد»¹⁷.

در عین حال استعاره در نزد به کار گیرنده آن مطابقت دارد، که همان اظهار احساسات ویژه است که به دنبال خودش آثار خارجی نیز می آورد.¹⁸

بنابر این گرچه استعاره و اعتبار به حسب مطابق خارجی کاذباند، اما به حسب مقصود خاصی که از آنها مورد نظر است ممکن است صادق باشند و یا کاذب.¹⁹

علامه می فرماید: «این معانی وهمیه [= تشبیه و استعاره] در ظرف توهم مطابق دارند، اگر چه در ظرف خارج مطابق ندارند».²⁰ یعنی همانطور که گفته شد به حسب ماهیت و کارکرد خاصی که دارند می توانند مطابق خاص خود را نیز داشته باشند و یا نداشته باشند.

چهارم – استعاره [و اعتبار] مبتنی بر احساسات و دواعی است

این احساسات و دواعی است که استعاره و اعتبار را به وجود می آورد: «این مصادیق تازه [در استعاره] دارای این حدود [ادعایی و استعاری] هستند تا جائی که احساسات و دواعی موجودند و با از میان رفتن آنها از میان می روند و با تبدیل آنها متبدل می شوند».²¹

در مورد اعتبار جا دارد که این پرسش طرح گردد که این احساسات و دواعی از کجا می آیند؟ در ادامه [بندهای نهم تا سیزدهم] به این پرسش پاسخ گفته می شود.

پنجم – نسبت استعاره [و اعتبار] با واقع خارجی

استعاره و اعتبار از خارج اخذ می کند و با تهییج و انگیزش در خارج تأثیر می گذارد:

17 - نک: همان، صص 145 تا 147.

18 - نک: همان، ص 148.

19 - در اینجا از قاعده فقهی احياء كل شيء بحسبه الهام گرفته و مورد بحث به صدق كل شيء بحسبه تبدیل شده است. تأمل در گفتار علامه

طباطبایی نیز همین نتیجه را می دهد؛ نک: همان صص 145 تا 148.

20 - نک: همان، صص 148 و 149.

21 - نک: همان، صص 149 و 150.

- 1 - «هر یک از این معانی وهمی [استعاری] روی حقیقتی استوار است»²² یعنی از خارج اخذ می‌گردد.
- 2 - معانی وهمی استعاری علاوه بر اینکه از خارج اخذ می‌گردند، دارای آثار واقعیه نیز هستند و اگر اثر خارجی مناسب خود نداشته باشند، غلط حقیقی یا دروغ حقیقی خواهند بود، یعنی لغو و بی‌اثرند.²³

ششم - تعریف استعاره [و اعتبار]

حال بینیم استعاره و [اعتبار] چیست: «عمل نامبرده این است که با عوامل احساسی حدّ چیزی را به چیز دیگر بدهیم، به منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عوامل احساسی خود دارند».²⁴

هفتم - نسبت استعاره [و اعتبار] و علوم حقیقی

میان استعاره و اعتبار، و علوم حقیقی رابطه تولیدی وجود ندارد: «این ادراکات و معانی چون زائیده عوامل احساسی هستند، دیگر ارتباط تولیدی با ادراکات و علوم حقیقی ندارند و باصطلاح منطق یک تصدیق شعری را با برهان نمی‌شود اثبات کرد و در این صورت برخی از تقسیمات معانی حقیقیه در مورد این معانی وهمیه مثل بدیهی و نظری و مانند ضروری و محال و ممکن جاری نخواهد بود»²⁵.

هشتم - کثرت در استعاره [و ادراکات اعتباری] یا سبک «مجاز از مجاز»

«ممکن است این معانی وهمیه را اصل قرار داده و معانی وهمیه دیگری از آنها بسازیم و به واسطه ترکیب و تحلیل کثرتی در آنها پیدا شود (سبک مجاز از مجاز)»²⁶.

بدین ترتیب همانگونه که در ادراکات حقیقی، کثرت در ادراکات موضوع مطالعه است، در اینجا نیز کثرت در ادراکات اعتباری با شیوه خاص می‌تواند موضوع مطالعه باشد، و به نظر می‌رسد تحلیل‌های حقوقی و یا تحلیل‌های هنجاری در علوم سیاسی را می‌توان از جمله مصادیق مبحث کثرت در ادراکات اعتباری شمرد.

22 - نک: همان، ص 151.

23 - نک: همان، ص 152.

24 - نک: همان، ص 153.

25 - نک: همان، صص 153 و 154.

26 - نک: همان، ص 155.

نکته مهم در اینجا این است که سبک مجاز از مجاز و یا کثرت در ادراکات اعتباری و مصادیق آن در تحلیل‌های حقوقی و سیاسی چگونه و بر چه اساس انجام می‌گیرد؟
علامه این کثرت در ادراکات اعتباری را بر اساس نظام علت و معلولی معرفی می‌کند.²⁷ در فصل سوم همین نوشتار با عنوان سازمان علیت و معلولیت، مختصری در این باره بیان شده است. در عین حال موضوع مهمی است و از جنبه‌های گوناگون قابل تأمل و پی‌گیری است.

نهم - منشأ پیدایی علوم و ادراکات اعتباری²⁸

«ممکن است انسان یا هر موجود زنده دیگر (به اندازه شعور غریزی خود) در اثر احساسات درونی خویش که مولود یک سلسله احتیاجات وجودی مربوط به ساختمان ویژه‌اش می‌باشد، یک رشته ادراکات و افکاری بسازد که بستگی خاص به احساسات مزبور داشته و به عنوان نتیجه و غایت، احتیاجات نامبرده را رفع نماید و به ابقاء و زوال و تبدیل عوامل احساسی و یا نتایج مطلوبه زائل و متبدل شود (و اینها همان علوم و ادراکات اعتباریه بالمعنی الاخص می‌باشند)»²⁹.

بنابر این بیان:

- 1- اعتبار سازی کار انسان یا هر موجود زنده دیگر است و اختصاص به انسان ندارد.
- 2- اندازه و مقدار اعتبار سازی بستگی به اندازه و مقدار شعور غریزی موجود زنده دارد و به این نسبت اندازه و مقدار آن می‌تواند کم یا زیاد باشد و هر چقدر اندازه شعور موجود زنده بیشتر باشد، توان اعتبار سازی او بیشتر است. بنابر این می‌توان احتمال داد که انسان در میان دیگر موجودات زنده از اندازه و مقدار بیشتری برای اعتبار سازی برخوردار است.³⁰
- 3- ادراکات و افکار اعتباری موجود زنده ناشی از احساسات درونی او است
- 4- احساسات درونی موجود زنده مولود احتیاجات وجودی آن موجود است.

27 - نک: همان ص 221.

28 - در اینجا مقصود از اعتبار، اعتبار بالمعنی الاخص و اعتبار عملی است. نک: همان، صص 185 و 186.

29 - نک: همان، ص 156 تا 158.

30 - در نگرش علامه طباطبایی اعتبار سازی اختصاص به موجود زنده ندارد. این موضوع در فصل چهارم همین نوشتار با عنوان استخدام پی گرفته می‌شود. همچنین نک: سید محمد حسین طباطبایی، رساله «الانسان فی الدنيا»، ص 193، در «الرسائل التوحیدیه» بی نوبت چاپ، قم، بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، با همکاری نمایشگاه و نشر کتاب، 1365.

- 5- احتیاجات وجودی موجود زنده ناشی از ساختمان ویژه آن می‌باشد.
- 6- ادراکات و افکار اعتباری بستگی به احساسات درونی موجود زنده دارد.
- 7- ادراکات و افکار اعتباری برای این است که احتیاجات وجودی موجود زنده را رفع و برطرف نماید:
- ساختمان ویژه وجودی موجود زنده³¹ ← احتیاجات وجودی موجود زنده ← احساسات درونی موجود زنده ← ادراکات و افکار اعتباری موجود زنده وابسته به احساسات درونی او ← رفع احتیاجات وجودی موجود زنده.³²
- 8- بقاء عوامل احساسی درونی و یا نتایج مطلوبه برای رفع احتیاجات وجودی موجب بقاء ادراکات و افکار اعتباری مربوطه است و زوال و یا تبدیل عوامل احساسی درونی یا نتایج مطلوبه برای رفع احتیاجات وجودی موجب زوال و یا تبدیل ادراکات و افکار اعتباری مربوطه خواهد بود:
- بقاء و زوال و تبدیل عوامل احساسی درونی موجود زنده یا نتایج مطلوبه‌ای که برای رفع احتیاجات مورد نظر بوده است ← بقاء و زوال و تبدیل ادراکات و افکار اعتباری.

دهم - دو جنبه وجودی انسان

انسان و یا هر موجود زنده دیگر دارای دو جنبه وجودی است:

اول - انسان و یا هر موجود زنده دیگر، «یک واحد طبیعی است که در دایره هستی خود یک سلسله خواص و آثار طبیعی را از قبیل تغذیه و تنمیه و تولید مثل به حسب طبیعت و تکوین (جبرا) انجام می‌دهد و چندی بدین سان زندگی خود را ادامه داده و سپس از میان رفته و آثار وی نیز از میان می‌روند»³³.

دوم - انسان و یا هر موجود زنده دیگر، یک واحد احساسات و اندیشه‌های اعتباری است.³⁴

31 - در ادامه علامه طباطبایی از این ساختمان ویژه با نام طبیعت و فطرت یاد می‌کند و از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که اعتبارات موجود زنده مبتنی

بر طبیعت و فطرت اوست.

32 - مقایسه کنید با نمودار مستتجج از میزان ج 2 ص 115 در فصل پنجم همین نوشتار. همچنین این نمودار در فصل سوم با عنوان «نظام طبیعت»

تفصیل بیشتری داده شده است.

33 - نک: همان، ص 162.

34 - مستفاد از همان، صص 163 تا 168.

یازدهم - جنبه وجودی اصیل

اصالت و هستی حقیقی از آن جنبه نخست از این دو جنبه وجودی است و همین جنبه نخست است که مستقل و متبوع است و جنبه دوم تابع و طفیلی اوست.

از آنجا که طبیعت با مرگ انسان و پایان احساسات و اندیشه‌های اعتباری او از فعالیت باز نمی‌ایستد و به سیر خود ادامه می‌دهد، بنابر این اصالت از آن طبیعت و سازمان طبیعی است.³⁵

دوازدهم - جنبه وجودی نا اصیل

طبیعت انسانی [= جنبه نخست وجودی] اندیشه‌های اعتباری [= جنبه دوم وجودی] را برای دریافت و ظهور و بروز خواص و آثار خود به وجود آورده و از راه آنها به هدف و مقصد طبیعی و تکوینی خود می‌رسد.³⁶

سیزدهم - چگونگی پیدایش ضرورت اعتباری [= باید]

در اینجا علامه طباطبایی بیانی دارند که تا حدودی مجمل و مبهم است. به نظر می‌رسد این اجمال و ابهام ناشی از جنبه‌های خاص زبان‌شناختی است. مقصود این است که آنطور که در رساله الاعتبارات³⁷ و الانسان فی الدنيا³⁸ بر می‌آید علامه طباطبایی می‌خواهد چگونگی پیدایش اعتبار ضرورت را تحلیل کند به جهات خاصی، مانند جو افراطی فارسی نویسی در آن زمان، ایشان واژه «باید» را به عنوان معادل واژه «ضرورت» برمی‌گزیند واژه «باید» بار معنایی خاص خود را داشته و نمی‌تواند نقش مورد انتظار در این برابر نهادی را ایفا کند. در نتیجه گفتار مقاله در اینجا دچار کژتابی‌هایی می‌شود که انتقادات بعدی از علامه طباطبایی و نظریه ادراکات اعتباری را به دنبال دارد. ما تلاش می‌کنیم بیان علامه طباطبایی را بر اساس آنچه تاکنون از گفتار خود ایشان جمع بندی نموده‌ایم و آنچه در ادامه این بیان مجمل می‌فرماید، بازسازی و تبیین کنیم. با این بازسازی تفسیرهای دیگر و انتقاداتی که احیاناً به این بیان علامه شده است، منتفی می‌گردد.

35 - مستفاد از صص 169 و 170.

36 - نک: همان صص 170 و 171. این مطلب در فصل سوم با عنوان نظام طبیعت پی گرفته می‌شود.

37 - نک: محمد حسین طباطبایی، رساله الاعتبارات، مقاله اول، الفصل الثالث، در رسائل سبعة، بی نوبت چاپ، قم، بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، با همکاری نمایشگاه و نشر کتاب، 1362.

38 - نک: محمد حسین طباطبایی، رساله الانسان فی الدنيا، پیشین، صص 192 تا 194.

1- انسان و دیگر موجودات زنده موجود علمی‌اند

2- «موجود علمی» یعنی اینکه کارهای خود را با ادراک و فکر انجام می‌دهد.

این موضوع بسیار مهم است تا جایی که می‌توان آن را کلید درک نظریه ادراکات اعتباری در تحلیل علامه طباطبایی به حساب آورد. در تحلیل ایشان در موجود علمی، بعداً خواهیم دید هر موجودی به مراتبی علمی است، اراده از علم تبعیت می‌کند.³⁹ بنا بر این برای اینکه موجود زنده علمی فعالیت انجام دهد، و در تحلیل علامه هر موجودی فعال است⁴⁰، نیاز به واسطه قرار گرفتن علوم و ادراکات اعتباری است. بنا بر این:

اولاً علوم و ادراکات اعتباری در همه موجودات طبیعت وجود دارد.

ثانیاً به محض تحقق علوم و ادراکات اعتباری، اراده و فعل هم به دنبال آن خواهد آمد.

و اینجاست که علامه طباطبایی از تحلیل قدما فاصله می‌گیرد. این فاصله گرفتن در بررسی مقایسه‌ای حرکت اختیاری از دو دیدگاه شیخ و علامه طباطبایی در فصل سوم خواهد آمد.

3- «موجود علمی» برای اینکه کارهای خود را با ادراک و فکر انجام دهد نیاز به دو گونه صور ادراکی دارد:

1- 3- صور ادراکی افعال خودش که به اقتضای قوای فعاله اوست. یعنی قوای فعاله ← صور ادراکی احساسی.

2- 3- صور ادراکی و علمی موادی که متعلق افعال اوست.⁴¹

4- [1- 3 ←] ما انجام دادن افعال خود را دوست داریم و می‌خواهیم، فی المثل ما دارای فعلی به نام خوردن

هستیم و این خوردن را دوست داریم و می‌خواهیم و آن صورت ادراکی احساسی که از خوردن داریم را هم به فعل خوردن و هم به ماده خوردنی و هم به خودمان که خورنده هستیم نسبت می‌دهیم. اینکه ماده‌ای خوردنی هست یا نه را به تجربه و آزمایش تشخیص می‌دهیم.⁴² ما از احساس و خواست خوردن با نام «اراده» و از شیء خوردنی با نام «مراد» و از خودمان که خورنده هستیم با نام «میرد» یاد می‌کنیم.⁴³

39- نک: محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، پیشین، صص 156 و 157 و 171 و 187 و 225.

40- نک: همان صص 171 و 225.

41- نک: همان ص 226.

42- نک: همان، صص 174 تا 176 و 178 تا 179.

43- نک: همان، ص 177.

5- نسبت «باید» یا «ضرورت اعتباری» از کجا می‌آید؟

با توجه به آنچه ذیل 4 گفته شد، انسان خواستار تحقق صورت ادراکی احساسی منتج از قوه فعاله خود است. نسبت ضرورت واقعا میان قوه فعاله و اثر آن قرار دارد. انسانی که خواستار تحقق صورت ادراکی احساسی آن قوه است، نسبت ضرورت اعتباری را میان خود و همین صورت ادراکی احساسی قرار می‌دهد تا بدین ترتیب قوه فعاله را تهییج و تحریک نماید تا فعل خاص خودش را انجام دهد تا اثر آن تحقق یافته و در نتیجه صورت ادراکی احساسی آن نیز تحقق پیدا کند: ⁴⁴ قوه فعاله ← صور ادراکی احساسی ← ضرورت اعتباری ← تحریک و تهییج قوه فعاله ← فعل خارجی

در رساله «الانسان فی الدنيا» پس از بیانی مشابه در باب دو جنبه وجودی انسان ⁴⁵، چنین نتیجه می‌گیرد:

«لحوق عوارض به ذات [= همانی که انسان از آن به «من» تعبیر می‌کند] به واسطه نوعی اقتضاء ذات نسبت بدانهاست، به این معنی که اگر ذات از موانع لحوق خالی باشد، عوارض در اثر ارتباطی که با وی دارند، به دنبالش موجود می‌شوند... این اقتضاء ذات نسبت به عوارض... در انسان مقرون به علم است یعنی این نوع (انسان) بین ملائم و غیر ملائم، با علم و ادراک تمیز می‌دهد و سپس به سوی ملائم حرکت می‌کند و از منافر دوری می‌جوید...»

خلاصه اینکه [1]. چون تمیز ملائم از غیر ملائم به علم است و [2]. ذات نسبت به ملائم «اقتضاء» دارد و نسبت به غیر ملائم «اباء» و [3]. حرکت به سوی ملائم با علم و اراده صورت می‌گیرد، کما اینکه عدم حرکت و انزجار از غیر ملائم هم با علم و اراده صورت می‌پذیرد [4]. بنابر این قهرا نسبت به ملائم [در مثال ما: سیری] صورت علمیه خاصی در ذهن نقش می‌بندد و نسبت به غیر ملائم صورت مخصوصه دیگری که در واقع همان صورت «اقتضاء» ذات نسبت به شیئی و صورت اباء از آن است. و وقتی می‌گوییم «این فعل واجب است» مراد از وجوب فعل همان صورت «اقتضاء ذات نسبت به امری» است که این صورت را نفس از ضرورت در قضایای حقیقیه خارجییه انتزاع می‌کند...

44 - نک: همان، ص 178 تا 184.

45 - نک: سید محمد حسین طباطبایی، رساله «الانسان فی الدنيا»، ص 192، در «الرسائل التوحیدیه» بی نوبت چاپ، قم، بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، با همکاری نمایشگاه و نشر کتاب، 1365. بحث از این دو جنبه وجودی در عنوان‌های دهم تا دوازدهم گذشت.

و به این ترتیب برای «مقتضا» و «عدم مقتضا» هر یک صورتی است خاص، و ظاهراً نفس، این دو صورت را از نسبت بعضی اجزاء شخص به وی یا خود شخص نسبت به خودش و همینطور از نسبت عدم شخص یا عدم بعضی اجزاء اش به خودش انتزاع می‌کند و این انتزاع است که موجب حرکت به سوی فعل ملائم و یا فرار از آن می‌گردد»⁴⁶.

6 - در راستای ضرورت اعتباری اصلی سلسله‌ای از ضرورت‌های اعتباری فرعی، که زیر مجموعه ضرورت اعتباری اصلی به حساب می‌آیند، پدید می‌آیند.⁴⁷

7- [2-3 ←] «در این میان ماده نیز که متعلق فعل است، اعتباراً به صفت وجوب و لزوم متصف شده است»⁴⁸.

چهاردهم - ضابطه کلی اعتباری بودن یک مفهوم و فکر

اعتبار دو ضابطه دارد، یکی اینکه مخلوق قوای فعاله است و دیگر آنکه در آن نسبت ضرورت وجود دارد: «ضابطه کلی در اعتباری بودن یک مفهوم و فکری این است که [1] به وجهی متعلق قوای فعاله گردیده و [2] نسبت «باید» [یا ضرورت] را در وی توان فرض کرد»⁴⁹.

پانزدهم - ثبات و تغییر و بقاء و زوال اعتباریات

از مباحث مهمی که امروزه مطرح است این است که آیا احکام اعتباری قانونی و شرعی ثابت‌اند یا متغیر؟ علامه طباطبایی از دیدگاه نظری و فلسفی این مطلب را مورد تحقیق قرار داده است و همانطور که در ادامه بحث در این عنوان

46 - همان، صص 193 و 194.

گفتار ایشان در رساله اعتباریات نیز نزدیک به همین بیان، مخصوصاً در قسمت اخیر آن، است. گرچه بیان «الانسان فی الدنيا» پخته‌تر و روشن‌تر است (برای بیان اعتباریات نک: محمد حسین طباطبایی، رساله اعتباریات، صص 129 و 130 و 137 و 159 و 160، در رسائل سبعة، بی نوبت چاپ، قم، بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، با همکاری نمایشگاه و نشر کتاب، 1362). ترجمه سخنان علامه از این منبع نقل شده است: سید محمد حسین طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات صادق لاریجانی، چاپ دوم، انتشارات الزهراء، 1371، صص 44 و 45.

47 - نک: محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه، پیشین، ج 2، ص 185.

«مثلاً در مورد خوردن (مثال گذشته) اگر چه متعلق «باید» را سیری قرار داده، ولی چون می‌بیند سیری بدون بلعیدن غذا و بلعیدن بی جویدن و بی به دهان گذاشتن و به دهان گذاشتن بی برداشتن و برداشتن بی نزدیک شدن و دست دراز کردن و گرفتن و... ممکن نیست؛ به همه این حرکات صفت وجوب و لزوم می‌دهد و چون می‌بیند که قوه فعاله در حقیقت یک چیز می‌خواهد به همه این حرکات یا به یک دسته از آنها، صفت وحدت و یگانگی می‌دهد و به همین قیاس...»

48 - نک: همان، ص 184.

49 - همان ص 185.

و دیگر عناوین مرتبط خواهیم دید، نتیجه تحقیق عقلی و فلسفی ایشان این است که غالب احکام اعتباری پویا و متحول اند و آن دسته از احکام نیز که ثابت می‌باشند تنها در عناوین و یا اصول ثابت هستند و نه بیشتر. همین مبحث و نتیجه گیری را در تفسیر المیزان نیز می‌توان یافت.⁵⁰

«چون اعتباریات عملی مولود یا طفیلی احساساتی هستند که مناسب قوای فعاله می‌باشند و از جهت ثبات و تغییر و بقاء و زوال، تابع آن احساسات درونی‌اند و احساسات نیز دو گونه هستند: [1.] احساسات عمومی لازم نوعیت نوع و تابع ساختمان طبیعی چون اراده و کراهت مطلق و مطلق حب و بغض و [2.] احساسات خصوصی قابل تبدیل و تغییر. از این روی باید گفت اعتباریات عملی نیز دو قسم هستند:

1 - اعتباریات عمومی ثابت غیر متغیر، مانند اعتبار متابعت علم و اعتبار اجتماع و اختصاص...

2 - اعتباریات خصوصی قابل تغییر مانند زشت و زیبایی‌های خصوصی و اشکال گوناگون اجتماعات.

انسان می‌تواند که هر سبک اجتماعی را که روزی خوب شمرده، روز دیگر بد بشمارد، ولی نمی‌تواند از اصل اجتماع صرف نظر نموده و یا اصل خوبی و بدی را فراموش نماید.⁵¹

بنابر این ثبات و تغییر و حتی بقاء و زوال هر یک از اعتباریات عملی، تابعی از احساسات درونی‌ای است که منشاء و موجد آن اعتبار هستند.

اگر احساس یا احساسات درونی موجد اعتبار از جمله احساسات عمومی‌ای باشد که لازم نوعیت نوع و تابع ساختمان طبیعی آن موجود هستند، اعتبار یا اعتباریات مولود آن نیز عمومی و ثابت خواهند بود. مانند عناوین کلی‌ای چون اراده و کراهت مطلق و یا مطلق حب و بغض و یا اعتبار اصل اجتماع و نه چگونگی و سبک آن.

و اگر احساس یا احساسات درونی موجد اعتبار از جمله احساسات خصوصی‌ای باشند که لازم نوعیت نوع و تابع ساختمان طبیعی آن موجود نیستند، اعتبار یا اعتباریات مولود آن نیز خصوصی و قابل تبدیل و تغییر است مانند زشت و زیبایی‌های خصوصی و اشکال گوناگون اجتماع.

اعتباریات ثابت و متغیر در ادامه بیشتر مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

50 - برای دو نمونه دم دستی نک: محمد حسین طباطبایی، المیزان، پیشین، ج 4 ص 194 و ج 6 ص 358.

51 - محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه، پیشین، ج 2، ص 186.

2- کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباریه (انقسامات)

اول - روش مطالعه و تحقیق

از آنجایی که مورد جریان برهان تنها حقایق است و علوم اعتباری از زمره حقایق نمی‌باشند، بنابر این باید از دیگر روش یا روش‌های مطالعه و تحقیق در این باره بهره گرفت تا ریشه‌های ساده افکار اجتماعی یا فطری را به دست آوریم. روش‌هایی که علامه طباطبایی برمی‌گزیند عبارتند از:

1- سیر قهقرائی

«اجتماع امروزه ما با معلومات اعتباری و اجتماعی، تدریجا و به مرور زمان روی هم چیده شده و از این روی ما می‌توانیم با سیر قهقهرایی به عقب برگشته و به سرچشمه اصلی این زاینده رود، اگر هم نرسیدیم، دست کم نزدیک شویم.»⁵²

2- مردم شناسی

«کنجکاو در اجتماع و افکار اجتماعی ملل غیر مترقیه که اجتماعات و افکاری نسبتا ساده دارند.»⁵³

52 - همان ص 188.

53 - همان.

3- مطالعه و «بررسی اجتماعات جانوران زنده»⁵⁴

4- مطالعه و بررسی «فعالیت‌های فکری و عملی نوزادان خودمان»⁵⁵

دوم - نخستین تقسیم اعتباریات

در گذشته دیدیم که علامه طباطبایی اعتباریات را از نظر ثبات و تغییر به دو قسم منقسم دانستند. در اینجا اعتباریات را از جنبه دیگر، نسبت اعتباریات با اجتماع، تقسیم می‌نماید. رابطه این دو گروه از اعتباریات در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

«چنانکه گذشت ساختن علوم اعتباریه معلول اقتضای قوای فعاله طبیعی و تکوینی انسان می‌باشد و پر روشن است که فعالیت این قوا یا پاره‌ای از آنها محدود و بسته به اجتماع نمی‌باشد. مثلاً انسان قوای مدرکه و همچنین جهاز تغذی خود را به کار خواهد انداخت، خواه تنها باشد و خواه در میان هزار. آری یک دسته از ادراکات اعتباری بی فرض اجتماع صورت پذیر نیست، مانند افکار مربوط به اجتماع ازدواجی و تربیت اطفال و نظایر آنها و از اینجا نتیجه گرفته می‌شود: اعتباریات با نخستین تقسیم به دو قسم منقسم می‌شوند:

1- اعتباریات پیش از اجتماع.

2- اعتباریات بعد از اجتماع.

البته معلوم است که افعالی که متعلق قسم اول هستند، با هر شخص [انسان]⁵⁶ قائمند و افعالی که متعلق قسم دوم

می‌باشند با نوع مجتمع قائمند»⁵⁷.

54 - همان.

55 - همان.

56 - در متن اصول فلسفه عبارت چنین است: «با هر شخص شخص قائمند» به احتمال مقصود هویت فردی انسان است در مقابل هویت مستقل جامعه که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد. در نسخه چاپ شده توسط سید هادی خسرو شاهی نیز چنین است؛ نک: سید محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه رئالیسم، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، چاپ اول، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، بی تا، ص 105.

57 - نک: محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه، ج 2، پیشین، صص 188 و 189.

سوم - اعتباریات قبل الاجتماع

1 - وجوب

- در گذشته⁵⁸ «روشن شد که انسان در نخستین بار به کار انداختن قوای فعاله خود نسبت ضرورت و وجوب (باید) را میان خود و میان صورت احساسی خود که به نتیجه عمل تطبیق می نماید، می گذارد».⁵⁹

بنا بر این: 1 - «نخستین ادراک اعتباری از اعتباریات عملی که انسان می تواند بسازد، همان نسبت وجوب است».⁶⁰

2 - «اعتبار وجوب، اعتباری است عمومی که هیچ فعلی از وی استغنا ندارد. پس هر فعلی که از فاعلی صادر می شود،

با اعتقاد وجوب صادر می شود».⁶¹

- ما دو گونه وجوب داریم: یکی صفت فعل در مرحله صدور از فاعل می باشد و عمومی است و دیگری صفت فعل فی

نفسه می باشد و خصوصی است. دومی نیز اعتباری عملی است، ولی اعتبار آن «بسی متأخر از اعتبار وجوب عام است».⁶²

2 - حسن و قبح - خوبی و بدی

1 - «اعتبار دیگری که می توان گفت زائیده بلا فصل اعتبار وجوب عام می باشد، اعتبار حسن و قبح است که انسان

قبل الاجتماع نیز اضطرارا آنها را اعتبار خواهد نمود».⁶³

2 - در ادامه مطالبی بیان می کند که می توان آن را نظریه زیبایی شناختی علامه طباطبایی به حساب آورد. پس از بر

شمردن چند نمونه نتیجه می گیرد که: «پس باید گفت دو صفت خوبی و بدی که خواص طبیعی حسی پیش ما دارند،

نسبی بوده و مربوط به کیفیت ترکیب سلسله اعصاب یا مغز ما مثلا می باشند».⁶⁴

58 - نک: 1 - کیفیت پیدایش علم اعتباری از انسان. سیزدهم چگونگی پیدایش ضرورت اعتباری [= باید].

59 - محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص 189.

60 - همان.

61 - همان.

62 - نک: همان ص 190.

63 - همان ص 190 و 191.

64 - همان.

- 3- بر اساس نظر زیبایی شناختی ارائه شده⁶⁵، حسن و قبح یا خوبی و بدی اعتباری هم عبارت است از اینکه آیا فعل یا ترک مقتضای قوه فعاله هست یا نه.
- 4- از آنجا که خوبی و بدی به معنای مقتضای قوه فعاله بودن یا نبودن است، بنابر این ما چون خوب می دانیم دوست داریم و چون بد می دانیم دشمن داریم.⁶⁶
- 5- اعتبار حسن و قبح مانند اعتبار وجوب عام است. «پس ما هر فعلی را که انجام می دهیم، به اعتقاد اینکه به مقتضای قوه فعاله است انجام می دهیم. یعنی فعل خود را پیوسته ملایم و سازگار با قوه فعاله می دانیم و همچنین ترک را ناسازگار می دانیم. در مورد فعل، فعل را خوب می دانیم و در مورد ترک، فعل را بد می دانیم».⁶⁷
- 6- ما، مانند وجوب، دو گونه حسن و قبح داریم: یکی صفت فعل فی نفسه و دیگری صفت فعل در مرحله صدور از فاعل.⁶⁸

3- انتخاب اخف و اسهل (سبک تر و آسان تر)

- 1- «قوای فعاله ما که کارهای خود را با فکر انجام می دهند و یا هر قوه فعاله طبیعی، هر گاه با دو فعل مواجه شود که از جهت نوع متشابه ولی از جهت صرف قوه و انرژی مختلف، یعنی یکی دشوار و پر رنج و دیگری آسان و بی رنج بوده باشد، ناچار قوه فعاله به سوی کار بی رنج تمایل کرده و کار پر رنج را ترک خواهد گفت. و البته علتش این است که کار پر رنج در عین حال که مقتضای قوه فعاله است، مقرون به عوائق و موانعی است که با قوه فعاله سازگار نیستند و گاهی که قوه فعاله چنین کاری را انجام می دهد، خود کار را می خواست و از کشیدن رنج و دفع عائق چاره نداشت. پس وجوب چنین کار و فعلی پیش قوه فعاله مقید به فقدان کار بی رنج یا کم رنج بوده، پس در موردی که دو فعل بی رنج و با رنج فرض شود، انتخاب بی رنج معین خواهد بود».⁶⁹

65- این ترتب ناشی از مبنای زبانی علامه طباطبایی است نک: ادامه همین فصل و نیز فصل چهارم - حسن و قبح.

66- برای تأیید این استنتاج علاوه بر مبحث حسن و قبح در اصول فلسفه نک: همان، ص 172. با این تبیین معلوم می شود که حواشی منتشر نشده

شهید مطهری بر این مبحث نشان می دهد آن شهید سعید به اندازه کافی فرصت نیافت تا در این مقاله تأمل نماید. نک: فصل دوم همین نوشتار.

67- نک: محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص 191.

68- همان ص 192.

69- همان.

2- بر اساس این اعتبار است که «تطور و تحولی در همه اعتباریات، در جمیع شئون انفرادی و اجتماعی انسان، موجود می‌باشد».⁷⁰

بنا بر این انتخاب اخف و اسهل را باید یکی از عوامل تغییر و تحول در اعتباریات برشمرد.

3- اگر هم در جایی سیر تطور از آسان‌تر به دشوارتر باشد، به خاطر اغراض دیگری است که ضمیمه و پیوند غرض اصلی گردیده است.⁷¹

4- اصل استخدام و اجتماع

1- از نظر علامه طباطبایی اصل استخدام یک همگانی است و تمامی پدیده‌های مادی بر این اساس عمل می‌کنند.⁷²

«ما در خارج به هر پدیده مادی که می‌رسیم، ترکیبی یا همراه ترکیبی است که برای حفظ بقاء خود از خارج به نحوی استفاده می‌نماید و این خاصیت در همه موجودات و به ویژه در یک دسته از موجودات که جانوران زنده را تشکیل می‌دهند، بسیار روشن می‌باشد».⁷³

2- انسان این اصل را در هر کاری که وابسته به احتیاجات است، به کار می‌گیرد.

«جانوران با شعورتر و به ویژه انسان این روش را نه تنها در خواص طبیعی و لوازم مادی به کار می‌برند، بلکه در هر کاری که وابسته به احتیاجات است، اگر چه به وسائط زیاد نیز بوده باشد، روش آنها همین است».⁷⁴

3- بر اساس اصل استخدام و عمومیت آن، انسان در رویارویی با هم‌نوع خود نیز به فکر استفاده از وجود او و افعال او خواهد افتاد.⁷⁵

70 - همان.

71 - نک: همان ص 193.

72 - همان.

73 - همان. بنا بر این استخدام اختصاص به موجود جاندار ندارد. برای تفصیل بیشتر نک: فصل چهارم - نتایج و پی‌آمدهای نظریه ادراکات اعتباری.

74 - نک: محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص 194.

75 - همان.

4- روش استخدام نتیجه مستقیم مقتضای طبیعت است و به دنبال آن اندیشه اجتماع پیدا می‌شود.⁷⁶

5- از نظر علامه طباطبایی: «هر پدیده از پدیده‌های جهان و از آن جمله حیوان و به ویژه فرد انسان، حب ذات را داشته و خود را دوست دارد و هم نوع خود را همان خود می‌بیند و از این راه احساس انس در درون وی پدید آمده و نزدیک شدن و گرایش به هم نوعان خود را می‌خواهد و به اجتماع فعلیت می‌دهد و چنانکه پیداست همین نزدیک شدن و گرد هم آمدن (تقارب و اجتماع) یک نوع استخدام و استفاده است که به سود احساس غریزی انجام می‌گیرد و سپس در هر مورد که یک فرد راهی به استفاده از هم نوعان خود پیدا نماید، خواهد پیمود و چون این غریزه در همه بطور متشابه موجود است، نتیجه اجتماع را می‌دهد و این همان اجتماع است که مورد بحث و نظر ما است (اجتماع تعاونی که احتیاجات همه با هم تأمین شود)».⁷⁷

حب ذات ← حب هم نوع ← انس ← اجتماع = استخدام.

استخدام همگانی = اجتماع تعاونی.

بر این اساس انسان‌ها تا زمانی زندگی اجتماعی را می‌پذیرند و ترجیح می‌دهند که خواست استخدام هر یک از آنها تأمین گردد و هر کدام سود و نفع خود را از این اجتماع ببرند و اگر یک چنین بهره‌مندی متقابل در کار نباشد، مطمئناً بر اساس اصل اخف و اسهل سعی می‌کنند خود را از شر تکلفات اجتماعی نجات بخشند و زندگی راحت‌تری را پیدا کنند.

6- از آنجا که هر یک از انسان‌ها سود خود را می‌خواهند و تأمین سود آنها در گرو زندگی اجتماعی و تأمین سود همگانی است، بنابر این هر یک از آنان به جهت تأمین سود خود، سود همگان را می‌خواهند و برای تأمین سود همگان، عدل اجتماعی را می‌خواهند.

علامه می‌فرماید: «ما می‌گوییم انسان با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم) و در نتیجه فطرت انسانی حکمی که با الهام طبیعت و تکوین می‌نماید قضاوت عمومی است و هیچ گونه کینه

76 - نک: همان صص 195 تا 197.

77 - همان ص 197.

خصوصی با طبقه مترقیه ندارد و دشمنی خاصی با طبقه پائین نمی‌کند، بلکه حکم طبیعت و تکوین را در اختلاف طبقاتی قرائح و استعدادات تسلیم داشته و روی سه اصل نامبرده می‌خواهد هر کسی در جای خودش بنشیند».⁷⁸

ظاهراً نظر علامه در این جا این است که هر یک از طبقات اجتماعی بنا بر تفاوت استعدادهایی که دارند در جای خود قرار گرفته و از یکدیگر به طور متقابل بهره می‌برند. روشن است که سخن ایشان ناظر به وضعیت کنونی جوامع انسانی نیست که در آنها شکل گیری طبقات اجتماعی، ارتباطی با استعدادها و توانایی‌های طبیعی نداشته و به علاوه راه رشد و تعالی و پیشرفت اجتماعی و انسانی برای همگان باز نمی‌باشد و بهره‌مندی متقابل هم اگر وجود داشته باشد، متناسب و عادلانه نیست.

بر این اساس به نظر می‌رسد که تحلیل علامه طباطبایی را می‌توان به عنوان نقدی بر اجتماعات کنونی به کار برد که بر پایه بهره رسانی متقابل و تأمین سود و منفعت متقابل و همگانی شکل نگرفته‌اند و وضعیت کنونی اجتماعی ربطی به توانایی‌های طبیعی نداشته و سود و منفعت اختلاف طبقاتی عائد اجتماع نمی‌گردد.⁷⁹

7 - اهمیت تحلیل اجتماعی - سیاسی علامه طباطبایی یکی این است که زندگی اجتماعی را مبتنی بر ساختمان وجودی انسان ساخته است. یعنی اندیشه اجتماعی - سیاسی او از درون تحلیل انسان شناسی او در می‌آید و مبتنی بر آن است. در تحلیل علامه طباطبایی، طبیعت انسان و قوای فعاله او، او را به بهره‌مند شدن از طبیعت و محیط و دیگر انسان‌ها می‌کشاند و همین اساس زندگی اجتماعی است که بر پایه خواست مشترک و متقابل بهره‌مندی از یکدیگر شکل گرفته است. ظاهراً در ارتباط با این بهره‌مندی و سود جویی همگانی است که امروزه در مباحث مدیریت می‌گویند: برنده - برنده بیاندیشید و حتی در مذاکرات فیما بین نیز سود و منفعت طرف مقابل را در نظر بگیرید، زیرا دیگران نیز به مانند ما برای سود خود است که همکاری و مشارکت می‌نمایند.

78 - همان ص 199.

79 - برای تقریب به ذهن می‌توان نظر علامه را در اینجا با نظر راولز در باب چگونگی تقسیم بندی مناصب و مزایای اجتماعی مقایسه کرد. راولز تفاوت در تقسیم مناصب را تا آنجا مجاز می‌شمارد که سودش عاید جامعه گردد: «نابرابری فقط در صورتی روا شمرده می‌شود که دلیلی داشته باشیم. بر این عقیده که نهاد اجتماعی‌ای که توأم با نابرابری یا موجب آن است به نفع همه اشخاصی است که در آن نهاد اجتماعی شرکت دارند... همه اشخاص باید از نابرابری سود ببرند. نک: جان راولز، «عدالت و انصاف، و تصمیم گیری عقلانی»، مصطفی ملکیان، نقد و نظر، شماره دوم و سوم، سال سوم، بهار و تابستان 1376، ص 84.

8- آزادی: درباره آزادی می‌فرماید: «آزادی انسان که موهبتی طبیعی است در حدود هدایت طبیعت می‌باشد. و البته هدایت طبیعت بسته به تجهیزاتی است که ساختمان نوعی دارای آنها می‌باشد و از این روی هدایت طبیعت (احکام فطری) به کارهایی که با اشکال و ترکیبات جبهازات بدنی وفق می‌دهد، محدود خواهد بود. مثلاً ما هیچگاه تمایل جنسی را که از غیر طریق زناشویی انجام می‌گیرد (مرد با مرد - زن با زن - زن و مرد از غیر طریق زناشویی - انسان با غیر انسان - انسان با خود - تناسل از غیر طریق ازدواج) تجویز نخواهیم کرد.

مثلاً تربیت اشتراکی نوزادان و الغاء نسب و وراثت و ابطال نژاد و... را تحسین نخواهیم کرد، زیرا ساختمان مربوط به ازدواج و تربیت با این قضا یا وفق نمی‌دهد».⁸⁰

گفتار علامه در اینجا ناظر به آزادی طبیعی است؛ گرچه می‌توان آزادی اعتباری و وضعی را نیز بر آن مترتب ساخت، اما در هر صورت در این جا آزادی را از نظر اعتباری بودن آن لحاظ ننموده است. ظاهراً به همین علت است که در ادامه گفتار از اعتبارات سه گانه استخدام، اجتماع و حسن عدالت، یاد می‌کند و آنها را اعتبارات ثابتة معرفی می‌نماید و این قرینه‌ای است که ایشان از بحث در آزادی به عنوان آزادی اعتباری منصرف است و در اینجا تنها به بیان حدودی که آزادی طبیعی برای آزادی وضعی ایجاد نموده است، اکتفاء می‌نماید.

تذکر این نکته نیز لازم است که آزادی اعتباری و وضعی در واقع محدودیت‌هایی است که قوانین برای آزادی تکوینی قرار می‌دهند و با نظر دقیق چیزی به نام آزادی اعتباری و وضعی نداریم، بلکه آزادی اعتباری و وضعی در واقع حدود اعتباری و وضعی برای آزادی است.

9- هدایت طبیعت یا احکام فطری: علامه طباطبایی در بحث از آزادی به عنوان یک موهبت طبیعی، وارد بحث از هدایت طبیعت یا احکام فطری گردید که تمامی این قسمت از گفتار در بند گذشته نقل شد. ایشان هدایت طبیعت یا احکام فطری را مبتنی بر «اشکال و ترکیبات جبهازات بدنی» و تجهیزاتی که «ساختمان نوعی دارای آنها می‌باشد» می‌داند.

5- اصل متابعت علم

1- از آنجایی که قوای فعاله در ماده، خود مادی هستند و فعالیت آنها نیز در ماده است، بنابر این انسان و هر جانور زنده به حسب فطرت و ساختمان طبیعی و قوای فعاله رئالیست و واقع بین است و در فعالیت خود با واقعیت خارج کار دارد و از آنجایی که انسان به متن واقع خارجی دسترسی ندارد، به علم خود از واقعیت خارجی، اعتبار خود واقعیت خارجی را می دهد.⁸¹

با تحلیلی که علامه از اعتباری بودن حجیت علم ارائه فرمودند به دست می آید که رئالیسم ایشان یک رئالیسم ساده و ابتدایی و خام نیست.

2- علامه طباطبایی به چند جهت با رئالیسم خام و ساده فاصله دارد:

- به تعامل میان دریافت از واقعیت و خود واقعیت و محک زدن دریافت [دانش فرضی و ادعایی و احتمالی] با واقعیت و احيانا تصحيح و تکامل یافتن دریافت به این وسیله قائل است. بنابر این به یک رئالیسم خام و ساده نمی رسد، بلکه رئالیسم او پیچیده و تعاملی و انتقادی است و شاید بتوانیم اصطلاح «رئالیسم تعاملی» را برای آن به کار ببریم.

- علامه طباطبایی علوم و ادراکات حقیقی را برآیند فعل و انفعالات حاصله میان ماده خارجی و حواس و ادوات ادراکی ما می داند که متناسب با تأثیر جهان خارج بر حواس و ادوات ادراکی، از خارج حکایت می کند. نتیجه مستقیم این تبیین، واقع نمایی اجمالی علوم و ادراکات حقیقی است.⁸²

روشن است که با این بیان اگر بالفرض ما حواس و ادوات ادراکی دیگری می داشتیم، جهان خارج را به گونه ای دیگر دریافت می نمودیم. بنابر این دریافت کنونی از جهان خارج را نمی توان دریافت تام و نهایی و منحصر دانست.

81 - استفاد از همان صص 200 تا 202.

82 - «و هی علوم و ادراکات تحققت عندنا من الفعل و الانفعال الحاصل بین المادة الخارجیة و بین حواسنا و ادواتنا الادراکیة... انما تحکی عن الخارج حکایة»: محمد حسین طباطبایی، المیزان، پیشین، ج 2 صص 114 و 115.

«فله [یعنی انسان] احاطة ما بجميع الحوادث: همان ص 113.

بنابر این به دست می‌آید که ایشان فلسفه و دانش موجود را متناسب با دستگاه فکری و ذهنی و عقلی کنونی ما تلقی می‌کند نه یک فلسفه و دانش مطلق و واقع نما که حق یا کما هو هو.⁸³

– ایشان زیبایی شناسی را نیز یک امر نسبی و متناسب با دستگاه دریافتی و ملائمت با این دستگاه معرفی می‌کند، یعنی یک زیبایی شناسی کاملاً نسبی و ارگانیک و فیزیولوژیک.

– در باب اعتبار هم که نظر ایشان اوضح من الشمس است و به پویایی تمام عیار در ادراکات اعتباری منتهی می‌گردد. آری برخی عناوین مانند عدل و ظلم را ثابت نگه می‌دارد که با ثابت انگاشتن مصادیق اعتبار زمین تا آسمان تفاوت دارد.

– ایشان می‌گوید ما علم را اعتبار واقع می‌کنیم، یعنی معلوم نیست علم واقع نما باشد. حق علم واقع نمایی است، اما آنچه به نام علم در دست داریم، آیا واقع نما هست یا نه، چیز دیگری است.

تعریفی که علامه طباطبایی از علم ارائه می‌دهد نیز نشان دهنده این مطلب است که علم به معنای انکشاف واقع نیست، گرچه شأن علم چنین است که انکشاف واقع باشد، اما هر آنچه در دست ماست و آن را به نام علم می‌شناسیم، انکشاف واقع نمی‌باشد بلکه چه بسا جهل مرکب باشد. ایشان در تعریف علم آن را به درک مانع از نقیض تعریف می‌کند. در میزان نیز در ضمن بحث از علوم حقیقی، علم را چنین تعریف می‌کند.⁸⁴

پرسش 1: تعریف علامه طباطبایی جهل مرکب را هم در بر می‌گیرد؟ پاسخ چنین است و واقعا هم برخی از علوم ما بیش از جهل مرکب نمی‌باشند.

83 - اینگونه رئالیسم ظاهراً مورد التفات نبی مکرم اسلام (ص) هم بوده است. آن بزرگوار در دعای منقول می‌فرماید: «اللهم ارنی الاشیاء کما هی» پس معلوم می‌شود که عنایت داشته که اشیاء کما هی دریافت وجود مبارک نمی‌گردد. آیا اینکه انسان با چنین محدودیت دستگاهی قادر به دریافت کما هی هست یا نه، مطلب دیگری است.

جناب سید مرتضی این جمله را از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) دانسته و به آن استناد کرده است؛ نک: الشریف المرتضی، الحدود و الحقائق، ص 261، رسائل الشریف المرتضی، المجموعة الثانية، بی نوبت چاپ، تقدیم و اشراف: السید احمد الحسینی، اعداد: السید مهدی الرجایی، دار القرآن الکریم، قم، 1405 هـ.ق.

مولی عبدالصمد همدانی این دعا را چنین نقل نموده است: «دوم از جناب سرور اولیاء مروی است: ... اللهم ارنی الاشیاء کما هی»؛ نک: مولی عبدالصمد همدانی، بحر المعارف، ج 2، تحقیق و ترجمه حسین استاد ولی، اول، تهران، انتشارات حکمت، 1374، ص 398.

84 - نک: محمد حسین طباطبایی، میزان، پیشین، ج 1 ص 49.

پرسش 2: بدین ترتیب ادراکات حقیقی نیز نسبی می‌شوند؟ پاسخ: آری اما برخی از ادراکات که بدیهی هستند یا به بدیهی منتهی می‌شوند ثابت می‌مانند. همچنین ادراکاتی که در واقع نوعی اتصال به واقع هستند نسبی نمی‌باشند.

3- علامه طباطبایی در پایان بحث از «اصل متابعت علم» نتیجه می‌گیرد:

«1- یکی از اعتباریات حجیت علم است.

2- این اعتبار از اعتبارات عمومی است (قبل الاجتماع)⁸⁵.

در پایان بخش 1 کیفیت پیدایش علم اعتباری از انسان، با عنوان «پانزدهم - ثبات و تغییر و بقاء و زوال اعتباریات»، دیدیم که ایشان اعتباریات عملی را دو قسم دانست: اعتباریات عمومی ثابت غیر متغیر و اعتباریات خصوصی قابل تغییر. در اوایل بخش 2 کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباریه (انقسامات)، با عنوان «دوم - نخستین تقسیم اعتباریات»، اعتباریات را منقسم به دو قسم معرفی کرد: اعتباریات پیش از اجتماع و اعتباریات بعد از اجتماع.

بنابر این ما دو گروه تقسیم بندی اعتباریات داریم: تقسیم بندی اول ناظر به منشأ، دامنه و ثبات و تغییر اعتباریات است که آیا منشأ آن احساسات عمومی است یا احساسات خصوصی. اگر منشأ آن احساسات عمومی بود بنا بر این دامنه آن اعتبار همه انسان‌ها بلکه همه موجودات را در بر می‌گیرد و اگر منشأ آن احساسات خصوصی بود دامنه آن گروه‌های خاصی از انسان‌ها را در بر دارد. اعتبارات گونه اول از آنجا که از احساسات عمومی انسان‌ها ناشی می‌شوند بنابر این اعتبارات ثابته‌اند و همیشگی می‌باشند و اعتبارات گونه دوم از آنجا که ناشی از احساسات خصوصی مربوط به گروه‌های خاص انسانی‌اند، اعتبارات متغیر هستند. تقسیم بندی دوم ناظر به نسبت اعتبار با اجتماع است که آیا اعتبار مربوط به پیش از اجتماع است یا پس از تحقق اجتماع و زندگی اجتماعی، اعتبار شده است.

حال پرسش این است که نسبت میان این دو گروه تقسیم بندی چیست؟ آیا اعتباریات عمومی ثابت غیر متغیر همان اعتباریات پیش از اجتماع و اعتباریات خصوصی قابل تغییر همان اعتباریات بعد از اجتماع هستند یا اینکه نسبت فیما بین تطابق نبوده، بلکه عموم و خصوص من وجه می‌باشد؟

تأمل در گفتار علامه طباطبایی می‌رساند که این دو تقسیم بندی بر یکدیگر انطباق دارند، یعنی اعتبارات پیش از اجتماع همان اعتباریات عمومی ثابت و اعتبارات پس از اجتماع همان اعتباریات خصوصی متغیر هستند. در عبارت نقل شده علامه طباطبایی اصل متابعت علم را از اعتبارات عمومی معرفی نموده و سپس آن را به اعتبار قبل از اجتماع تفسیر می‌کند. یعنی این دو را یکی می‌داند. به علاوه چند صفحه بعد می‌گوید: «اعتبارات عمومی (اعتباریات پیش از اجتماع) چون اعتباراتی هستند که انسان در هر تماس که با فعل می‌گیرد از اعتبار آنها گزیری ندارد، یعنی **اصل ارتباط طبیعت انسانی با ماده در فعل**، آنها را به وجود می‌آورد. از این رو هیچ گاه از میان نرفته و تغییری در ذات آنها پیدا نمی‌شود».⁸⁶

بنابر این بار دیگر اعتبارات عمومی را به اعتباریات پیش از اجتماع تفسیر می‌کند و مهم‌تر اینکه برای اعتبارات عمومی معیار و ضابطه‌ای هم به دست می‌دهد که عبارت است از ارتباط آن با ماده خارجی. بنا بر این هر اعتباری که ناظر به نسبت انسان و فعل او با ماده خارجی است و انسان در آن مستقیماً با طبیعت در تماس است، اعتبار عمومی است و روشن است که اعتبارات پس از اجتماع در نسبت با پدیده جدیدی است که همانا جامعه انسانی می‌باشد و مستقیماً با ماده خارجی و طبیعت غیر انسانی تماس ندارد.

در فصل‌های سوم و چهارم توضیح بیشتری در این باره خواهد آمد. در اینجا به طور اجمال می‌توان اشاره کرد که این مطلب نقش مهمی در موضوع ثابت و متغیر در احکام و قوانین دارد و به خصوص در فلسفه فقه و فلسفه حقوق بسیار مؤثر است؛ زیرا از تحلیل گفتار علامه طباطبایی به دست می‌آید که همه اعتبارات اجتماعی ماهیتاً متغیر بوده و در معرض تحول و دگرگونی می‌باشند و اساساً ثابت نیستند و اعتبارات ثابت اعتبارات پیش از اجتماع هستند که با هر شخص انسانی قائم‌اند و همراهند و در نسبت میان انسان و ماده خارجی ظهور و بروز دارند. بنا بر این احکام و قوانین ناظر به فرد انسانی و ارتباط او با جهان خارج ثابت، و احکام و قوانین ناظر به ارتباط انسان با جامعه و احکام و قوانین اجتماعی که در جامعه متحقق می‌گردند متغیر و پویا هستند. مهم‌تر اینکه احکام و قوانین دسته اول، یعنی عمومی و ثابت و پیش از اجتماع نیز ثبات آنها نسبت به دسته دوم، یعنی خصوصی متغیر و پس از اجتماع، معنا دارد و گرنه آنها هم از جهت تصرف برخی از اعتبارات عمومی، مانند اعتبار اخف اسهل، در اعتبارات عمومی دیگر دچار سعه و ضیق و دگرگونی در مصادیق می‌شوند و

تنها عناوین آنها ثابت هستند. به تعبیر علامه طباطبایی: «اگر چه اعتبارات عامه قابل تغییر نیستند ولی از راه برخی از آنها در مورد برخی دیگر می‌شود تصرف نموده و به وجهی اعتبار عمومی را از کار انداخت»⁸⁷ و «تغییر اعتبارات خود یکی از اعتبارات عمومی است»⁸⁸. در ادامه همین فصل اشاراتی به این موضوع خواهد آمد.

6- اعتبار ظن اطمینانی

انسان بر اساس قاعده انتخاب اخف و اسهل، غیر مهم را به عدم ملحق می‌نماید. به همین جهت در ظن قوی جانب دیگر را که مرجوح است به حساب نیاورده و «ظن قوی را به جای علم گذاشته و نام علم به او می‌دهد و این همان ظن اطمینانی است که مدار عمل انسان می‌باشد و این خود یکی از اعتبارات عمومی است»⁸⁹.

بنابر این ما با ظن قوی معامله علم می‌نمائیم. علامه طباطبایی بعداً در تفسیر المیزان همین اعتبار را به گونه‌ای خاص به کار گرفته است؛ که به حول و قوه الهی در فصل چهارم اشاره‌ای به آن خواهد آمد. نظر به اهمیت موضوع ظن اطمینانی در سازمان نظریه ادراکات اعتباری و به خصوص در جنبه‌های علم شناسی آن لازم است توضیح بیشتری در این باره داده شود.

می‌دانیم که علامه طباطبایی در صدد بود میان فلسفه شرق و غرب جمع نماید و ظاهراً می‌خواست میان ایده‌آلیسم و ماتریالیسم راهی بگشاید که خود آن را رئالیسم نامید و نامگذاری کتاب «اصول فلسفه رئالیسم» یا «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نیز ناظر به همین راه جدید فکر و اندیشه است و ظاهراً با این نامگذاری علامه طباطبایی می‌خواست بگوید بیاید همه در مقابل حق و واقع (رئال) خاضع باشیم و از هر آنچه حق و واقع است پیروی کنیم. چنانکه در المیزان دعوت اسلام را نخست به اصل فطری «پیروی از حق و واقع» معرفی می‌کند و روشن است که لازمه پیروی از حق و واقع این است که در یک گفتگوی عمومی و آزاد و با شنیدن همه سخن‌ها، این حق و واقع آشکار گردد و گر نه در ابتدا هر فرد و گروهی خود را حق مطلق می‌پندارد و شاید وجه تأکید علامه طباطبایی به آزادی فکر و اندیشه و لزوم بحث اجتماعی و تفکر و اجتهاد اجتماعی برای رسیدن به حق و واقع نیز همین باشد [تفصیل مطلب در فصل پنجم خواهد آمد].

87 - همان ص 207.

88 - همان ص 208.

89 - نک: همان ص 203.

با توجه به بیان گذشته ابعادی از این سخن علامه طباطبایی آشکار می‌گردد:

«پوشیده نماند که دانشمندان مادی چنانکه در علم نظری کجروی نموده و علم (ادراک مانع از نقیض) را منکر شده‌اند، هم چنان در علم عملی (مورد بحث) نیز اشتباه کرده و درست در نقطه مقابل ما قرار گرفته، می‌گویند انسان همیشه به ظن عمل می‌نماید و علمی در کار نیست»⁹⁰.

بنا بر این:

- 1 - علم نظری به معنای ادراک مانع از نقیض است.
 - 2 - از نظر فلسفه رئالیسم علم نظری امکان پذیر است و وجود دارد.
 - 3 - در علوم و ادراکات عملی نیز، هم علم تحقق دارد و هم ظن اطمینانی.
 - 4 - پیروی از علم به این حساب بود که علم را اعتبار واقع می‌نمودیم.
 - 5 - پیروی از ظن اطمینانی به این جهت است که آن را قائم مقام علم اعتبار می‌کنیم.
 - 6 - بنا بر این اعتبار ظن اطمینانی به معنای الغاء علم نیست. بلکه خود ظن اطمینانی «زنده به اسم علم می‌باشد».⁹¹
 - 7 - یک نمودار سه سطحی از تحلیل علامه طباطبایی برمی‌آید: واقع - علم - ظن اطمینانی
- در حقیقت آن چیزی را که انسان می‌خواهد به آن نایل آید همان واقع است و علم طریق انسان به واقع است «زیرا به حسب فطرت و غریزه رئالیست و واقع بین هستیم»⁹² و به خصوص در علوم و ادراکات اعتباری که یک پایه آن بر علوم و ادراکات حقیقی است (در دریافت ماده خارجی که موضوع عمل و فعل انسان است که با علوم و ادراکات اعتباری در آن عمل می‌کند) انسان «محکوم طبیعت و پیرو هدایت فطرت و غریزه خود می‌باشد و... طبیعت و فطرت برای نیل به هدف خود انسان را به سوی واقعیت خارج می‌کشاند و قوای فعاله و مدرکه را با واقعیت خارج ارتباط می‌دهد»⁹³ از آنجا که در میان حالات گوناگون ادراکی: علم و ظن و شک و وهم، این تنها علم است که ادراک مانع از نقیض می‌باشد.⁹⁴

90 - همان ص 203.

91 - همان ص 204.

92 - همان ص 200.

93 - همان ص 204.

94 - نک: همان صص 201 و 203.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

بنابر این «انسان و هر موجود زنده هیچ گاه از اعتبار دادن به علم (در مقابل مطلق تردید) مستغنی نیست و به حکم اضطراب غریزی به علم اعتبار خواهد داد، یعنی صورت علمی را همان واقعیت خارج خواهد گرفت».⁹⁵

8- در مواردی که دست انسان حتی از علم هم کوتاه است ظن اطمینانی را اعتبار علم می کند و با وی معامله علم می نماید و آن را علم اعتباری می انگارد.⁹⁶ چنانکه علم را واقع اعتبار می کرد و واقع اعتباری می انگاشت.⁹⁷

9- نوعی از علم هست که حاق واقع است و در آن اشتباه راه ندارد زیرا در واقع اشتباه راه ندارد، یعنی اصلاً تصور اشتباه در واقع معنا و مفهومی ندارد.⁹⁸

10- این علم از آن خداست که خالق همه چیز می باشد و بندگان خدا به مقدار سلامت دستگاه‌های ادراکی و ظرفیت وجودی خود از این علم بهره‌مند می گردند.

از جمله کارکردهای دین، سالم سازی دستگاه‌های ادراکی و افزایش ظرفیت وجودی و در نتیجه گیرایی و دریافت بیشتر و بهتر واقعیت است.⁹⁹

7- اعتبار چهار اصل: استصحاب - احتیاط - براءت - توقف

- استصحاب: «انسان اگر به وجود چیزی علم داشته باشد تا علم به بطلان وجود وی نرسانیده، علم نخستین را معتبر می دارد و مطالعه حالات مختلف حیوانات دیگر وجود این روش را در آنها نیز تائید می کند».¹⁰⁰

95 - همان ص 201.

96 - نک: همان ص 204.

97 - نک: همان صص 200 تا 202.

98 - المیزان، پیشین، ج 8 ص 164؛ ج 6 ص 247؛ ج 4 صص 28 و 29؛ ج 15 صص 252 تا 252؛ ج 11 صص 162 تا 164؛ ج 18 صص 191 تا 193؛ ج 2 صص 134 تا 139؛ ج 5 صص 78 تا 81.

99 - «... ان الله سبحانه خلق بعض عباده هولاء على استقامة الفطرة و اعتدال الخلقة فتشأوا من بادی الامر بأذهان وقادة و ادراکات صحیحة و نفوس طاهرة و قلوب سلیمة فنالوا بمجرد صفاء الفطرة و سلامة النفس من نعمة الاخلاص ما ناله غیرهم بالاجتهاد و الکسب بل اعلی و ارقی لطهارة داخلهم من التلوث بالآلوات الموانع و المزاحمات...» همان ج 11 ص 162. در فصل سوم با عنوان دین و سعادت، اشاره‌ای به این مطلب خواهد آمد.

100 - محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه، پیشین، ص 204.

– احتیاط: «اگر وجودی چیزی که کردنی است یا نکردنی، در میان دو چیز مردد شود، به فعل هر دو طرف یا ترک هر دو طرف مبادرت می‌ورزد».¹⁰¹

– براءت: «و اگر وجود چیزی را نداند، ترتیب آثار وجود وی را به مورد نمی‌دهد».¹⁰²

– توقف: «و اگر چیزی میان کردنی و نکردنی (خیر و شر) مردد شود، توقف خواهد کرد».¹⁰³

علامه طباطبایی در اینجا مباحث اصولی را در ادراکات اعتباری به خدمت گرفته است؛ کما اینکه در مباحث سابق، اصل متابعت علم و اعتبار ظن اطمینانی نیز به ترتیب از مباحث قطع و علم و علمی در مبحث انسداد، بهره برده است و از نمونه‌هایی است که خلاقیت و شکوفایی ذهنی علامه طباطبایی و طراحی و مهندسی ایشان را نشان می‌دهد. به علاوه نشان دهنده توانایی‌های مغفول در مباحث علمی موجود در علوم و دروس دینی است و می‌تواند الهام بخش عالمان و پژوهندگان علوم دینی در استفاده از این متون و علوم در راهگشایی علمی و عملی برای جوامع، فرهنگ و تمدن اسلامی و انسانی باشد.

8 – برخی دیگر از اعتبارات عمومی: اعتبار اختصاص – اعتبار فائده و غایت در عمل

– اعتبار اختصاص: «اگر انسان را تنها و در حال انفراد فرض کنیم، در هر استفاده که از ماده می‌کند، اگر یک مانع و مزاحمی (اگر چه انسان و یا موجود زنده دیگری نبوده و یک مانع طبیعی باشد) پیش آمده و بخواهد انسان فعال را از اصل فعالیت یا از کمال فعالیت یا از تکمیل فعالیت مانع شود، انسان نیز ناچار و خواهی نخواهی به مقام دفاع برآمده و با فعالیت دفاعی خود ماده را تخصیص به خود داده و تصرف خود را بر وی مستقر خواهد ساخت. و در عین حال این وضع را یک نسبتی میان خود و ماده اندیشیده و مفهوم اختصاص (این ماده از آن من است) در پندار وی جلوه‌گر خواهد شد و این مفهوم همان اختصاص مطلق است که اصل مالکیت یکی از شعب او است و همچنین دارایی – رتبه و مقام و هر گونه حقوق قراردادی و علقه زناشویی و... از شعب اوست».¹⁰⁴ بنابر این اعتبار اختصاص یک اعتبار پیش از اجتماع است و

101 – همان.

102 – همان ص 205.

103 – همان.

104 – همان ص 205 و 206.

مالکیت نه تنها در قبل از حکومت و زندگی سیاسی، بلکه حتی پیش از زندگی اجتماعی ریشه داشته و به نوعی بر حکومت سیاسی تقدم دارد.

— اعتبار فائده و غایت در عمل نیز از خود مفهوم اعتبار، که مکانیزی برای رسیدن به هدف و مقصود است، استنتاج می‌شود.¹⁰⁵

چهارم - ملاحظاتی در باب اعتبارات عمومی (اعتبارات قبل الاجتماع)

ملاک و ضابطه اعتبارات عمومی

ملاک و ضابطه اعتبارات عمومی (اعتبارات قبل الاجتماع) این است که اعتباراتی هستند که «اصل ارتباط طبیعت انسانی با ماده [به هنگام انجام] فعل، آنها را به وجود می‌آورد»¹⁰⁶، بنابر این این گروه از اعتبارات در نسبت میان انسان و ماده خارجی به وجود می‌آیند و در مواردی که انسان با غیر ماده خارجی نسبتی پیدا می‌کند، مانند روابط اجتماعی و انسانی و سیاسی، اعتبارات عمومی و ثابت غیر متغیر مفقود هستند و این عرصه، عرصه اعتبارات خصوصی و متغیر و پویاست.

تصرف در اعتبارات عامه

همانطور که گذشت اعتبارات دو گونه‌اند: اعتبارات عمومی ثابت و غیر قابل تغییر و اعتبارات خصوصی متغیر و متحول. از نظر علامه طباطبایی اعتبارات عمومی ثابت و غیر قابل تغییر نیز گرچه غیر قابل تغییرند، «ولی از راه برخی از آنها در مورد برخی دیگر می‌شود تصرف نمود و به وجهی اعتبار عمومی را از کار انداخت»¹⁰⁷.

بنابر این اعتبارات عمومی: 1 - قابل تصرف هستند. 2 - قابل از کار افتادن هم هستند.

این تصرف به صورت تصرف در مصادیق و موارد اعتبار است. مثلاً موردی [مسافرت با وسایل گذشته] که مصادیق خوبی و ملائمت بوده؛ با پیدایش وسائل تازه قاعده لزوم انتخاب اخف و اسهل وسایل تازه را بر جای وسایل گذشته نشانده

105 - همان.

106 - نک: همان ص 206.

107 - همان ص 208.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

و صفت لزوم و خوبی را از وسیله گذشته گرفته و به وسیله جدیده داده، بدین ترتیب اصل خوبی از بین نرفته ولی مصادیق آن عوض شده است.

به طور کلی «اصول اعتبارات عمومی پیوسته زنده و سرگرم ادامه فعالیت بوده، تنها موارد و مصادیق آنها جا به جا می شود».¹⁰⁸

تغییر اعتبارات، خود یکی از اعتبارات عمومی است

علامه طباطبایی از تحلیلی که شرح مختصر آن گذشت، نتیجه می گیرد که: «تغییر اعتبارات خود یکی از اعتبارات عمومی است».¹⁰⁹

بخش هایی که در آنها تغییر اعتبارات رخ می دهد

علامه طباطبایی تغییر اعتبارات را در بخش های زیر تلخیص می کند:

– عوامل محیطی و جغرافیایی

«منطقه های گوناگون زمین که از جهت گرما و سرما و دیگر خواص و آثار طبیعی مختلف می باشد، تأثیرات مختلف و عمیقی در طبایع افراد انسان داشته و از این راه در کیفیت و کمیّت احتیاجات تأثیر بسزایی می کنند و همچنین در احساسات درونی و افکار و اخلاق اجتماعی؛ و در پیرو آنها ادراکات اعتباری آنها از هم جدا خواهد بود. مثلاً احتیاجات گرما و سرمایی منطقه استوایی نقطه مقابل احتیاجات منطقه قطبی بوده و از همین جهت از حیث تجهیزات مختلف می باشد. در منطقه استوایی در اغلب اجزاء سال برای انسان یک لنگ که به میان ببندد لازم و زیاده بر آن خرق عادت و شگفت آور بوده و قبیح شمرده می شود و در منطقه قطبی درست به عکس است. اختلافات فاحشی که در افکار اجتماعی و آداب و رسوم سکنه منطقه های مختلفه زمین مشهود است، بخش مهمی از آنها از همین جا سرچشمه می گیرد».¹¹⁰

108 - همان ص 209.

109 - همان.

110 - همان صص 208 و 209.

– محیط عمل و نوع اشتغال

«و همچنین محیط عمل نیز در اختلاف افکار و ادراکات اعتباری دخیل می‌باشد. مثلاً یک نفر باغبان با یک نفر بازرگان یا یک نفر کارگر با یک نفر کارفرما، از جهت روش فکری یکسان نیست، زیرا احساساتی که مثلاً سبزه و آب و درخت و گل و بهار بوجود می‌آورند غیر از احساساتی است که مال التجاره و داد و ستد لازم دارد و اختلاف احساسات اختلاف ادراکات اعتباریه را مستلزم می‌باشد».¹¹¹

– کثرت ورود یک فکر به مغز انسان از طریق توارث افکار، تلقین، تربیت، تبلیغات و...

«کثرت ورود یک فکر به مغز انسان نصب العین گردیده و نتواند از نظر دور داشته و به غیر او توجه کند و البته در این صورت، خواهی نخواهی یک فکر، منطقی و صحیح و خوب به نظر خواهد آمد و خلاف وی به خلاف وی و در این صورت، توارث افکار – تلقین – اعتیاد – تربیت، در تثبیت و تغییر افکار اجتماعی و ادراکات اعتباری نقش مهمی را بازی خواهد کرد».¹¹²

– تکامل و توسعه در معلومات

«ما تردید نداریم که با قریحه تکامل پیوسته بر معلومات خود می‌افزائیم و خلاصه در اثر اینکه نخستین روزهای پاگشایی به جهان ماده معلومات زیادی از نیاکان خود به طور توارث دریافت داشته و پایه پیشرفت‌های آینده خود قرار می‌دهیم، دایره علوم روز به روز در توسعه است و هر چه توسعه پیدا کند، از مزایای طبیعت به واسطه تطبیق عمل، استفاده‌های بیشتر و کامل‌تری نموده و طبیعت سرکش را بهتر به خود رام می‌کنیم و از این روی مفهوم «باید و نباید و خوب و بد» و نظایر آنها، پیوسته هم آغوش تغییر می‌باشد».¹¹³

در پایان این بحث علامه طباطبایی متذکر می‌گردد که تغییرات نامبرده گاهی به واسطه امتزاج‌های مختلفه و آمیزش‌های گوناگون که میان آنها پیدا می‌شود، یک سلسله نتایج ترکیبی نیز می‌دهد.

111 - همان ص 209.

112 - همان.

113 - همان.

پنجم - اعتباریات بعد الاجتماع

1- اصل ملک و اعتبار تبدیل

«ریشه این اصل پیش از تحقق اجتماع محقق بوده و آن همان اختصاص است که بعدها به صورت ملک تکمیل شده و دارای اثر خاصی که جواز همه گونه تصرفات بوده باشد.¹¹⁴

«در مرتبه تالی این اعتبار، به واسطه احتیاجی که هر یک از افراد اجتماع به مواد متصرفی و بالخصوص ملکی غیر پیدا نموده‌اند، اضطرارا اعتبار تبدیل پیش آمده....

و در نتیجه عدم تعادل نسبت میان مواد مورد مبادله احتیاج به اعتبار پول پیش آمده که یکی از مواد مورد رغبت را واحد مقیاس از برای سنجش سایر مواد مورد حاجت قرار بدهند و البته این اعتبار نیز یک سلسله اعتبارات فرعی مربوطه را ایجاب می‌کند که دستگاه وضع پول و نقره و اسکناس و چک و اوراق دیگر بهادار و اعتبار و غیره با احکام و آثار خود، نماینده آنها می‌باشند».¹¹⁵

2- کلام - سخن

- نیاز به کلام و سخن

نیازمندی به ساختن سخن و وضع لفظ از چیزهایی است که انسان و غالب جانوران صدا دار در اولین مرحله اجتماع به آن پی می‌برند زیرا هر اجتماعی، احتیاج افراد خود به فهمیدن مقاصد و منویات همدیگر را تثبیت می‌کند.

- شروع کلام و سخن از محسوسات

این ساخته اجتماعی از محسوسات شروع می‌شود¹¹⁶ و در این مرحله دلالت صدا به معنی مقصود، دلالت عقلی و بالملازمه است و خود معنی مقصود، با وجود خارجی آن، به مخاطب نشان داده می‌شود و پس از چند بار تکرار، ذهن مخاطب میان مقصود و صدا یک نحو ملازمه نظیر تداعی معانی معتقد می‌شود.

114 - همان ص 212.

115 - همان ص 213.

116 - این تحلیل به خصوص در سبک تفسیری المیزان، نمود ویژه دارد. از جمله نک: فصل چهارم همین نوشتار با عنوان حسن و قبح.

– احساسات طبیعی

علاوه بر این، اختلاف احساسات درونی و طبیعی نیز در شکل صدا، اختلافات و تنوع ایجاد می‌کند. در این مرحله مستمع با صداهای مختلف به مقاصد گوناگون و غایب از حواس پی می‌برد گرچه هنوز دلالت صدا بر مقصود، عقلی و طبیعی است.

– دلالت لفظی

با آشنایی ذهن به رابطه میان حادثه و صدای ویژه آن، کم کم حوادث را با صداهای ملازم وجود آنها حکایت می‌نماید و حروف تهجی از هم جدا شده و کلمات مرکبه پیدا می‌شود. با تکامل این مرحله، دلالت عقلی و طبیعی جای خود را به دلالت لفظی می‌دهد، تا جایی که انسان هنگام سخن گفتن یا سخن شنیدن، از الفاظ غفلت کرده تنها متوجه معنی می‌شود. اینجاست که کار اعتبار تمام شده و به حسب اعتبار، لفظ عین معنی می‌شود.

– اشتقاق و تهجی‌ها

اختلاف محیط‌های زندگی و وضع الفاظ تازه به واسطه احتیاجات تازه ناشی از تکامل زندگی اجتماعی و انتخاب اخف و اسهل، موجب اشتقاق لغت‌های متنوعه و تهجی‌های گوناگون می‌شود.¹¹⁷

3 – ریاست و مرئوسیت

افرادی که در جامعه‌های ابتدایی از همه قوی‌تر بوده‌اند، افراد دیگر جامعه را استخدام می‌کرده و اراده خود را به آنها تحمیل می‌نمودند و همان نسبت «سر» به «بدن» را با آنها پیدا و برقرار می‌نمودند، در نتیجه این اعتبار (سر بودن و ریاست)، لوازم طبیعی حقیقت این نسبت «از قبیل فرمانروایی جامعه و انقیاد دسته جمعی و انقیادهای فردی و یک سلسله مقررات و رسوم و آداب که مقام رئیس را نشان داده و مظاهر احترام و تعظیم او می‌باشد، مانند اقسام تعارفات و کرنش‌ها و پرستش‌های بزرگ و کوچک با وجهی که مناسب کمال فعلی اجتماع می‌باشد، جعل و اعتبار شده».¹¹⁸

117 - نک: محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه، پیشین، صص 214 تا 216.

118 - نک: همان صص 217 و 218.

از آنجا که اعتبار ریاست را اعتبار اجتماع و عدالت اجتماعی پیش آورده، یک سلسله اعتبارات مناسب بر له مرئوس و علیه رئیس در مقابل اعتباراتی که بر له رئیس و علیه مرئوس وجود دارد، وضع شده است. این دو گروه اعتبارات (به نفع رئیس یا به نفع مرئوس) از جهت قوه و ضعف، با قوه و ضعف رئیس تناسب دارند.¹¹⁹

از سخنان علامه طباطبایی استفاده می‌شود که ایشان دو گونه ریاست را مورد بحث قرار می‌دهد: یکی ریاستی که ناشی از استخدام دیگران و تحمیل اراده بر دیگران است و احتمالاً در مقطعی تاریخی چنین استخدام و ریاستی پیدا شده است و دیگر ریاستی که ناشی از اصل اجتماع و زندگی اجتماعی و تعاونی است. به این بیان که اساس زندگی اجتماعی پذیرش عملی قرار داد استخدام و بهره رسانی متقابل و متعادل و متوازن است و برای منافع و تمتع این اجتماع تعاونی آحاد جامعه می‌پذیرند که قدرت‌های متفرد و پراکنده آنها در محل و مقام واحدی تمرکز یابد و از آنجا اعمال گردد و در واقع قدرت اجتماعی و سیاسی که بدین ترتیب پدید می‌آید از آن همه افراد و اعضای جامعه است و همه اینان در آن شریک می‌باشند و به همین جهت نیز قدرت سیاسی باید به طور شورایی اعمال گردد. در هر صورت اقتضای اعتبار اجتماع و عدالت اجتماعی این است که همچنان که اعتباراتی به نفع رئیس وضع شده و دیگران باید از او اطاعت کنند، اعتباراتی نیز به نفع مرئوس وضع شود تا از او در مقابل رئیس قدرتمند حمایت کند. البته در تحقق خارجی وضعیت این دو گروه اعتبارات بستگی به موقعیت عملی و عینی هر یک از رئیس و مرئوس داشته و نسبت میان این دو گروه اعتبارات نسبت عکس است، یعنی هر چه رئیس قوی‌تر باشد اعتباراتی که به نفع اوست بیشتر و قدرتمندتر است و هر چه مرئوس قوی‌تر باشد، اعتباراتی که به نفع او می‌باشد از قدرت و کثرت بیشتری برخوردار می‌باشد و هر گروه از اعتبارات که بیشتر و قدرتمندتر باشد، گروه مقابل ضعیف‌تر و ناچیزتر است و از وضعیت این دو گروه اعتبارات می‌توان به موقعیت واقعی و عینی هر کدام از رئیس و مرئوس در جامعه پی برد.

4- اعتبار امر و نهی و جزاء و مزد

امر و خواستن کاری از دیگری... بستگی دادن خواست و ربط دادن اراده است به فعل دیگری... این اعتبار تعلق اراده ارتباط مستقیم به اعتبار ریاست دارد... به جهت ضعف اراده اعتباری و وجوب اعتباری، نسبت به اراده و وجوب حقیقی، آدمی اعتبار جزاء می‌نماید و قوت و ضعف جزاء با قوت و ضعف مقام آمریت نسبت متعکس دارد.

اعتبار نهی نباید تعلق اراده به ترک فعل بوده باشد، زیرا اراده هیچ گاه قابل تعلق به عدم نیست.¹²⁰

5- اعتبارات در مورد تساوی طرفین

در دو عنوان گذشته علامه طباطبایی در مقام بررسی اعتباراتی بود که طرفین آنها در حال تساوی نبودند و یکی در موقعیت برتر و دیگری در موقعیت ضعیف‌تری قرار داشت. این گونه اعتبارات آن گونه که از تحلیل و مثال‌های علامه طباطبایی برمی‌آید نوعاً اعتبارات سیاسی می‌باشند که حول محور قدرت سیاسی تحقق می‌یابند. در ادامه ایشان در مقام بررسی و تحلیل اعتباراتی است که طرفین آن از یک موقعیت مساوی نسبت به یکدیگر برخوردارند و برتری نسبت به یکدیگر ندارد، «مانند اقسام مبادله‌ها و ارتباطها و حقوق متعادل اجتماعی»¹²¹ به اصطلاح حقوقی این دست اعتبارات مربوط به حقوق خصوصی‌اند که افراد آن شخص حقیقی و یا حقوقی، حقوق خصوصی می‌باشند و اعتباراتی که در دو عنوان گذشته مورد بررسی قرار گرفت، مربوط به حقوق عمومی بوده و طرفین آن اشخاص حقوق عمومی می‌باشند. این مطلب تفصیل زیادی دارد که در جای خود باید پی گرفته شود.

نکته قابل توجه این است که همانطور که سازمان ریاست و مرئوسیت مبتنی بر سازمان امر و نهی و جزاء و مزد بود، در اعتبارات متساوی الطرفین نیز امر و نهی و جزا و مزد قابل جریان است، منتها دیگر مولوی نبوده و تنها ارشادی خواهد بود. یعنی از مقام قدرت سیاسی و حوزه حقوق عمومی اظهار و ابراز نمی‌گردد، بلکه از مقام مساوی و حوزه حقوق خصوصی بیان می‌شود.

120 - نک: همان صص 218 تا 222.

121 - همان ص 223.

3- کیفیت ارتباط علوم اعتباریه با آثار واقعی و حقیقی یعنی با اعمال خارجی وجود انسان

در دو بخش گذشته کیفیت پیدایش علم اعتباری و کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباریه و یا انقسامات اعتباریات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مطلب مهمی که باید به آن توجه داشت این است که اصلاً چرا علوم و ادراکات اعتباری به وجود می‌آید و یا انقسام می‌یابد؟ توجه به این دقیقه پاسخگوی برخی انتقادات است که در فصل دوم مشاهده خواهیم نمود.

همانطور که از مباحث تفصیلی گذشته مشاهده شد، این نظام طبیعت است که با قرار دادن ساختمان ویژه وجودی برای موجود زنده، او را به گونه‌ای قرار داده است که برای برطرف ساختن احتیاجات وجودی خود به علوم و ادراکات اعتباری روی آورد. حال این پرسش پیش می‌آید که نظام طبیعت از این گونه ساختمان وجودی و راهکار خاص، چه هدف و مقصودی را تعقیب می‌کند؟

از مباحث علامه طباطبایی در این بخش برمی‌آید که پاسخ این است که نظام طبیعت بدینگونه می‌خواهد آثار واقعی و حقیقی در خارج ایجاد نماید و از اینگونه ساختمان وجودی و مکانیزم خاص، طی طریق ویژه این گونه موجودات در مسیر حرکت تکاملی آنها را در نظر داشته است. بنابر این گرچه ادراکات اعتباری ضرورت بالگیر دارند، اما این ضرورت بالگیر به معنای گزارف بودن و بی ضابطه و معیار بودن آنها نیست، بلکه ایجاد و آفرینش این ادراکات در راستای رساندن موجود زنده به غایت و سر منزل حرکت وجودی اوست.

در فصل سوم نسبت نظریه ادراکات اعتباری با مبحث حرکت و غایت حرکت استکمالی و دیگر مباحث مرتبط با آن پی گرفته خواهد شد.

در بیان علامه طباطبایی تحلیل چگونگی ارتباط علوم و ادراکات اعتباری با آثار واقعی و حقیقی خود چنین است:

1 - «هر موجودی دارای فعالیتی در دایره هستی خود بوده و موجود غیر فعال نداریم».¹²²

2 - «فعالیت هر موجودی مناسب و ملائم وجود خودش، به نفع هستی و بقاء خود، می‌باشد».¹²³

122 - همان ص 225.

123 - همان.

3 - «این فعالیت پیوسته به واسطه حرکتی است که موجود فعال انجام داده و به غایات حرکات که کمال وی می باشد، نائل شده و هستی خود را تکمیل می نماید»¹²⁴ (البته خود وجود وی نیز از قانون حرکت مستثنی نبوده و ... با حرکت جوهری متحرک می باشد و نزدیک به این سخن از دانشمندان امروزه نیز به طور فرضیه می شنویم: «جهان طبیعت = حرکت»¹²⁵).

- می دانیم که نظریه نسبیت و تبدیل ماده به انرژی و به طور کلی مباحث فیزیک جدید مورد توجه علامه طباطبایی بوده است¹²⁶. این دست اشارات را می توان در مقاله نهم اصول فلسفه که در باب قوه و فعل است نیز مشاهده نمود.¹²⁷ توجه به فیزیک جدید و نسبت آراء و نظریات انشتین با حرکت جوهری ملاصدرا به گونه ای بوده که مرحوم راشد نیز در سال های قبل از 20 به این موضوع پرداخته است.¹²⁸ حاصل این گونه مطالعات تطبیقی را باید در جای دیگری پی گرفت. در اینجا به طرح این پرسش بسنده می کنیم که آیا می توان امیدوار بود که اندیشه سیاسی جدیدی از این مطالعات به دست آید؟

- از تعبیر علامه طباطبایی در اینجا برمی آید که تمامی سازمان نظریه ادراکات اعتباری را بر مبحث حرکت مترتب می سازد و می توان احتمال داد نظریه حرکت جوهری و تلقی شیء به مثابه یک واحد حرکت، برای نظریه ادراکات اعتباری این امکان را فراهم آورده است که انسان را یک پارچه حرکت ببیند و اعتباریات را نیز یک سره در پویایی و تحول دیده و به ثبات در عناوین اعتبارات عمومی اکتفا کند.

4 - «گروهی از موجودات این فعالیت و حرکت استکمالی را از راه علم، فکر، انجام می دهند و قدر متیقن از این گروه انسان و تقریباً یا تحقیقاً سایر انواع حیوان می باشد».¹²⁹

124 - همان.

125 - همان.

126 - برای گزارش حسینی طهرانی در این باره نک: پیوست ب

127 - محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، پیشین، ج 4 ص

128 - حسینعلی راشد، دو فیلسوف شرق و غرب، صدر المتألهین و اینشتین، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، 1355 - چاپ اول

کتاب در سال 1318 بوده است.

129 - محمد حسین طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، پیشین، ج 2، ص 225.

5 - علمی که مستقیماً و بلا واسطه وسیله استکمال فعلی انسان و سایر حیوانات است، علم اعتباری است نه علم حقیقی. 130

در فصل حاضر با مفهوم ادراکات اعتباری و جایگاه آن در منظومه فلسفی علامه طباطبایی آشنا شدیم؛ در فصل آینده بسط تاریخی این مفهوم را در نظرگاه‌های شارحان و مفسران و منتقدان آن خواهیم دید و در فصل‌های سوم و چهارم، بسط نظری این مفهوم را پی خواهیم گرفت.